



مژده به مخاطبان خبرگزاری بین المللی افق

پس از این آخرین خبرهای افغانستان، منطقه و جهان را بدون نیاز به انترنت، فقط در بدل ۴ افغانی در تلفن‌های همراه تان دریافت کنید. برای عضویت، ۲۰ را به ۳۰۰۰ ارسال نمایید. در پایان هر سه ماه، به مشترکین گرامی به قید قرعه جوایز نفیسی اهدا خواهد شد.

شماره تماس: ۰۷۴۴۰۹۰۰۰۰ www.ufuqnews.com



730 Saturday 13 Dec, 2014 Year 03 Price: 10 Af قیمت: ۱۰ افغانی سال سوم ۲۲ قوس، ۱۳۹۳ شنبه ۲۳۰

لب دریاوکابل



(۱)

حمزه واعظی

کابل، شهر عصیان‌های بودایی و عاشورایی‌های ولایی...

وارد کابل که می‌شوی، حس می‌کنی زیر غبار دودآلود این شهر، روشنایی کم‌رنگی در حال تکثیر است. شتاب برای تغییر و شلگی برای دگرگونی را در خش‌خش هر گام و بلندای هر بامی می‌بینی. خیابان‌های خاک‌فرش این شهر هر صبح زیر گام‌های پرطنین دانشجویان و دانش‌آموزان، آهنگ امید و سرود خورشید می‌نوازند.

عطش فزاینده برای ساختن خانه و هوس زاینده برای بلند بردن کاشانه، شادمانی زنده ماندن را جار می‌زند. کاکل‌های ژل‌زده‌ی پسران و طنزهای گیسوان دختران، ترک‌های سنت و سانسور را می‌نمایانند. رقابت برای کسب مقام و تکاپو برای پرواز شدن نام، عشق به سیاست و دل‌دادگی به ریاست را برای هر دانشگاه‌دیده و مکتب‌خواننده‌ای هدف ساخته است.

کابل، مدینه‌ی دموکراسی خواهی و شهر سنت‌زدگی است. کانون گسست‌ها و پیوست‌هاست. مرجع تضادها و تقابلهاست. جبهه‌ی کهنه‌اندیشی و نوگرایی است. محله‌ی فقر جانسوز و تفرعن‌پروری هر روز است. قصبه‌ی قصرهای مجلل و لجن‌زار نفس‌های معطل است. آسایشگاه وزیران در کروزین نشسته و میعادگاه مردگان پل سوخته است.

کابل، شهر عشق و سکس است. عشق به زندگی‌های خاکی و آرزوهای افلاکی. عشق به دختران طنز بی‌باک و مغ‌بچگان چالاک. سکس، میوه‌ی ممنوعه‌ای است که گویا هر «آدم» فقیر و غنی‌ای، هر استاد و شاگردی، هر مدیر و ریسی، هر ملا و مجتهدی به آن دندان می‌زند. می‌گویند، زیر پوست زمخت شهر، تجارت سکس مشروع و تن‌فروشی ممنوع، سهل و ممتنع‌ترین سوداگری جاری و رایج است.

کابل، شهر مسجدهای پرشکوه، تکیه‌خانه‌های پراکنده و مومنان انبوه است. شهر رستوران‌های شلوغ و وعده‌های سیاست‌گران دروغ است. شهر عصیان‌های «بودایی» و عاشورایی‌های «ولایی» است.

شهر آشوب‌های خیابانی و خیزش‌های مدنی است. شهر انفجارهای مهیب و پارتی‌های نجیب است. شهر شب‌های پرحرارت شعروزی‌ست و قصه‌های خیال‌انگیز مهرورزی. شهر روزه‌های دل‌خراش تنگ است و نغمه‌های دلارام سرآهنگ...

شهر نایفه‌های بلیغ، دانشمندان بی‌دریغ، قله‌های بی‌ستخ و فلسفه‌ورزی‌های شیخ است. شهر شراب‌های فراوان، نمازهای لرزان و ایمان‌های ارزان است. شهر رفاقت‌های بلورین، رقابت‌های سهم‌گین، دشمنی‌های خونین، ائتلاف‌های دروغین، انتخابات‌های شیرین و لب‌خندهای نازنین است...

قصه، کابل شهر پویایی و پایداری است. آستان تغییر و تنوع و تمدن است. عرصه‌ی جولان نسل پویایی‌ست که بیرق بیداری را بردوش می‌کشد، شمع شک و پرسش را می‌افروزد و بدعت عبور از سنت و ساختارهای تقدیر شده را تجربه می‌کند. نسلی که با قلم آفرینش‌گر خویش، رویای «شهروند» بی‌درجه را رواج می‌دهد. با گام‌های بلند و آرمان ارجمند خود جسورانه «اطلاعات روز» را تکثیر می‌کند. هدف‌مندانه در پی گشایش «راه مدنیت» است. به آفتاب مقدس «هشت صبح» ایمان می‌ورزد و مجدانه در جست‌وجوی آدرس «جامعه باز» می‌گردد...

مصرف انٹی بیوتیک زمان بارداری سبب چاقی کودک می‌شود

صفحه ۶

درگیری خونین بین هواداران بارسا و پی‌اس‌جی

صفحه ۷

سخنگوی رییس جمهور:

زندان بگرام در آینده نزدیک مسدود می‌شود



صفحه ۲

صفحه ۳

یک امضا و ۱۵ میلیون خساره برای دولت

(ویس برمک، وزیر پیشین احیا و انکشاف دهات با یک امضا ۱۵ میلیون افغانی به دولت خساره وارد کرده است)

وزارت احیا و انکشاف دهات در یک نشست داوطلبی مبنی بر سپردن قرارداد حمل‌ونقل مأموران این وزارت به یک شرکت ترانسپورتی، به خاطر «زدبندگی شخصی»، به ضرر دولت فیصله کرده است. در صورت عملی شدن این تصمیم، حدود ۱۵ میلیون افغانی از خزانه‌ی دولت به باد داده می‌شود. بر اساس ادعای شرکت حمل‌ونقل برادران ورس و بررسی‌های انجام شده از سوی دادستانی کل، این شرکت با وجود واجد شرایط بودن در داوطلبی حمل‌ونقل مأموران وزارت احیا و انکشاف دهات، از سوی هیأت موظف این وزارت رد شده و قرارداد حمل‌ونقل مأموران این وزارت به شرکتی داده شده که به هیچ‌وجه واجد شرایط عقد این قرارداد نبوده است.



صفحه ۴

برگشت استینگر



ذهنیت غالب در کشور این است که پالیسی دولت افغانستان در سیزده سال گذشته و هم‌چنان حکومت وحدت ملی در قبال طالبان ناکام بوده است. همین ذهنیت را می‌خواهم در این نگاه‌شسته تقویت کنم و در ضمن راه کار و پیش‌نهاد نیز داشته باشم. پالیسی دولت‌های مرکزی از دیر زمانی زیر سوال است. جنگ‌های «گوریلابی» (پارتیزانی) یا همان «چریکی» به زبان عامیانه برد و باخت ندارد. در چنین نبردهایی، بی‌رحم‌ترین‌ها برنده‌تر هستند. وقتی دشمن هوشم مجهول باشد، موقعیت ثابت نداشته باشد، صف و تعدادش مشخص نباشد، مرکزیت و فرماندهی نداشته باشد، با چنین دشمنی جنگیدن کار ساده‌ای نیست.

در زمان جهاد افغانستان، از هفت تنظیم مشهور هیچ‌کدام نتوانستند تمام گروه‌ها و احزاب شامل جنگ را گرد هم آورد و یک مرکز فرماندهی مشترک ایجاد کند. با وجود کمک‌های اقتصادی، معرفی راه‌کارهای دیپلماسی و کمک‌های نظامی سیل‌آسای روسیه به رژیم کمونیستی، رژیم هرگز نتوانست نیروهای...

	
اطلاعات روز	
شنبه	
۲۲ قوس	
۱۳۹۳	
سال سوم	
شماره ۷۳۰	
	



یادداشت روز

وضعیت نابه‌سامان مهاجرین به‌سامان خواهد شد؟

..... *کوه* شهریارفره‌مند

با سفر محمد محقق، معاون ریاست اجرایی به ایران و گفت‌وگو با مقام‌های این کشور، دولت ایران وعده داده که اقامات ۴۵۰ هزار نفر از افغان‌های مشمول طرح ساماندهی در ایران شش ماه دیگر تمدید می‌شود. بر اساس این طرح، باید اطلاعات و مشخصات اتباع افغانی غیرقانونی در ایران ثبت شود و آن‌ها باید مجوز اقامتی لازم، شامل کارت پناهندگی یا ویزا را داشته باشند.

مهاجران افغانستان در ایران، سیزده سال پیش به‌عنوان اولویت نخست حکومت افغانستان تعیین شد؛ اما هنوز هم وضعیت نابه‌سامان صدها هزار مهاجر غیرقانونی در ایران به‌سامان نشده است. آن‌چه را امروز از این اولویت نخست ده سال پیش حکومت شاهدش هستیم، صدها هزار مهاجر بی‌سرنوشت افغانی در ایران و تداوم روند مهاجرت غیرقانونی به ایران است. دولت افغانستان هیچ کاری در این خصوص انجام داده نتوانست و وضعیت و سرنوشت صدها هزار مهاجر بی‌پناه و مظلوم افغانی در ایران روشن نشد.

مقام‌های دولت افغانستان بارها برای حل مشکلات مهاجرین به ایران رفته‌اند؛ اما تمام این دیدارها جنبه‌ی تشریفاتی داشته و بهانه‌ای برای تجدید دیدارها و گفت‌وگوهای دیپلماتیک بوده‌اند. دیدارها و گفت‌وگوهای متعدد مقام‌های هردو کشور، تا حال هیچ تغییری در وضعیت مهاجرین ایجاد نکرده‌اند. همه‌ساله این دیدارها به ضیافت‌ها، دیدارهای سیاسی و بیانیه‌های تشریفاتی ختم می‌شوند و هیچ‌گاه الزام حیاتی را برای بهبود وضعیت مهاجرین ایجاد نکرده‌اند.

در ده سال گذشته عودت مهاجرین به کشور از برنامه‌های اصلی و اولویت دست اول جامعه‌ی جهانی و دولت افغانستان بوده و برای این امر از شیوه‌های مختلف کار گرفته شده است؛ از تشویق و ترغیب گرفته تا مشوق‌های اقتصادی برای بازگشت و تا تمهیدات قانونی در هماهنگی با کشورهای میزبان برای تحت فشار قرار دادن بیش‌تر مهاجرین. همه و همه میکانیسم‌هایی بوده‌اند که مهاجران افغانی در کشورهای ایران و پاکستان دوباره به کشور برگردند؛ اما هیچ یک از این طرح‌ها جز بار اضافی بر دوش مهاجران و سرگردانی آن‌ها، چیز دیگری به‌بار نیاورده و سرنوشت تیره‌ی آن‌ها را روشن نکرده‌اند.

مجموع این طرح‌ها یا سرگردانی و فقر را برای مهاجران به ارمغان آورده یا هم شرایط سخت‌تر زندگی در مهاجرت را. آنانی که با سرخ و سبز نشان دادن دولت افغانستان و مشوق‌های اندک اقتصادی کمیشنری عالی سازمان ملل متحد با سراب زندگی آرام در ملک آبابی خویش به کشور برگشتند، سرگردان شدند و کاروبار و درس و مکتب خود را از دست دادند و آنانی که در همان‌جا ماندند، شرایط سخت زندگی را نصیب شدند.

هر باری که دولت افغانستان بحث بازگشت مهاجرین را در ایران روی دست گرفت، شرایط سخت‌تر تنها ارمغانی بود که به مهاجران رسید. به نظر می‌رسد که زندگی در افغانستان برای مهاجران دشوارتر و زمینه‌های بازگشت نامہیاتر از این می‌نماید که مهاجرین افغانی ریسک عودت به کشور را متقبل شوند؛ آن‌ها ناگزیر به تمامی سختی‌ها و دشواری‌های زندگی در مهاجرت تن می‌دهند تا در کشوری نامن، جهنم بیکاری و جغرافیای فقر پا نهند.

دولت افغانستان و جامعه‌ی جهانی برای حل مشکل مهاجران دچار سوء تفاهم شده‌اند. آنان علی‌رغم درک ناممکن بودن بازگشت مهاجران به کشور، همواره بر بازگشت آن‌ها تأکید نموده و تمام انرژی خود را نیز در همین راستا به مصرف رسانده؛ در حالی که می‌بایست برای حل مشکل مهاجرت، به سامان‌مندی آن‌ها توجه می‌شد. باید به وضعیت آن‌ها در مهاجرت سامان داده می‌شد و از طریق دیپلماسی یا هر شیوه‌ی دیگر، دشواری‌های زیستن در مهاجرت برای مهاجران سهل‌تر می‌شد و سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌های ناشی از قوانین و سیاست‌های کشورهای میزبان بر مهاجران رفع یا حداقل کمتر می‌گردید. متأسفانه هیچ‌گاه به این امور توجه نشد و هیچ‌کسی دل‌سوزانه دست مهاجران بی‌پناه افغانی را نگرفت.

اطلاعات روز:
نظیف‌الله سالارزی، سخنگوی رییس جمهور اشرف غنی اعلام کرد که زندان بگرام به‌زوی به‌طور کامل مسدود می‌شود. او دیروز در صحبت با رسانه‌ها گفت که بعد از ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۴ نیروهای بین‌المللی در افغانستان حق زندانی کردن هیچ فردی را ندارند و به همین دلیل، زندان بگرام در آینده‌ی نزدیک مسدود می‌شود. ولی او به‌طور دقیق مشخص نکرد که چه زمان این زندان بسته می‌شود. سخنگوی رییس جمهور در ادامه تأکید کرد که بعد از سال ۲۰۱۴ نیروهای بین‌المللی حق ایجاد زندان در داخل کشور را ندارند. او می‌گوید، در حال حاضر شماری از

زندانیان بگرام از سوی نیروهای امریکایی به حکومت تحویل داده شده‌اند. این در حالی است که پیش‌تر وزارت دفاع امریکا نیز اعلام کرد بود که نیروهایش سه تن از زندانیان بگرام را به دولت افغانستان تحویل داده‌اند و این زندان به‌طور کامل مسدود می‌شود. از سوی دیگر، برخی از رسانه‌ها گزارش داده‌اند که از میان این سه زندانی، دو تن آن‌ها باشندگان کشور تونس اند. این افراد در گذشته محافظان رهبر سابق القاعده، اسامه بن لادن بوده‌اند. زندان بگرام پس از سقوط طالبان و تشکیل حکومت جدید به رهبری حامد کرزی و هم‌چنان حضور نیروهای بین‌المللی در

سخنگوی رییس جمهور:

زندان بگرام در آینده‌ی نزدیک مسدود می‌شود

آنان هشدار داده‌اند که اگر به پرونده‌های‌شان رسیدگی نشود، به اعتصاب‌شان هم‌چنان ادامه خواهند داد. تعدادی از این زندانیان چند ماه پیش از زندان بگرام به زندان پل‌چرخی انتقال داده شده‌اند. این زندانیان می‌گویند که آنان بدون شواهد، به اتهام دست داشتن با مخالفان مسلح دولت، شش سال پیش زندانی شده بودند. به گفته‌ی آنان، در زندان پل‌چرخی با بیماران روانی و بیماران توبرکلوز در یک اتاق، زندانی بودند. اما عبدالعلیم کوهستانی، رییس محابس و توقیف‌خانه‌های وزارت امور داخله ادعای این زندانیان رد کرده است.

وزارت مالیه: برای پرداخت معاش کارمندان، به کمک فوری نیاز است

را دریافت کرده است. عبدالقادر جیلانی، سخنگوی وزارت مالیه گفت که از این مبلغ، تنها حدود صد میلیون دالر در اختیار دولت قرار داده شده است. اما او ابراز امیدواری کرد که کمک‌های جامعه‌ی بین‌المللی پس از این در بخش‌های مختلف ادامه یابند. جیلانی تأکید کرد که گفت‌وگو در این زمینه با جامعه‌ی جهانی جریان دارد و تا هنوز پیشرفت‌های بسیار خوبی داشته‌اند. افغانستان از جمله‌ی کشورهایی است که هنوز در بخش‌های مختلف متکی به کمک‌های خارجی است.

اشرف غنی: تا سه هفته‌ی آینده کابینه‌ی جدید معرفی می‌شود

رییس جمهور غنی مشورت‌های علمای دین، بزرگان قومی و منتقدان را در مسایل مهم ملی، مؤثر خواند و تأکید کرد که از مشورت‌های آنان به‌طور دوام‌دار استفاده می‌شود.

رییس جمهور: صلح را در کشور برقرار می‌کنم

عبدالحسیب صدیقی، سخنگوی ریاست عمومی امنیت ملی کشور دیروز در نشست خبری اعلام کرد که حمله‌ی انتحاری بر مرکز فرهنگی فرانسه در لیسه‌ی استقلال از سوی شبکه‌ی حقانی طراحی شده بود. او افزود، مخالفان مسلح حتا بالای اطفال رحم نکرده و در حمله بر لیسه‌ی استقلال، از یک طفل برای انجام حمله‌ی انتحاری استفاده شده است.

در میان زخمی‌های این رویداد ناصر سرمست، بنیان‌گذار انستیتوت موسیقی افغانستان و چند تن از تصویربرداران تلویزیون‌های خصوصی نیز شامل اند. حمله‌ی انتحاری بر انستیتوت فرهنگی فرانسه در لیسه‌ی استقلال با واکنش‌های تند ملی و بین‌المللی نیز روبه‌رو شده است، شورای امنیت سازمان ملل و وزیر خارجه‌ی فرانسه این حمله را محکوم کرده‌اند.

او گفت، مخالفان مسلح به این فکر اند که ما را شکست می‌دهند، اما این تصور یک خیال خواهد بود. غنی به زخمی‌های این رویداد اطمینان داد که کشور را از این وضعیت نجات می‌دهد. به روز پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته یک حمله‌ی انتحاری در تالار مرکز فرهنگی فرانسه در کابل انجام شد که بر اثر آن یک شهروند خارجی کشته و بیش از ده تن دیگر زخمی شدند.

اطلاعات روز:
محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور اعلام کرد که به هر قیمتی که شود، صلح سراسری را در کشور برقرار می‌کند. آقای غنی به طالبان هشدار داد که هیچ وقتی با راه‌اندازی حملات انتحاری به اهداف‌شان نمی‌رسند. رییس جمهور این اظهارات را در دیدار با زخمی‌های رویداد مرکز فرهنگی فرانسه در کابل بیان کرد.

او گفت، مخالفان مسلح به این فکر اند که ما را شکست می‌دهند، اما این تصور یک خیال خواهد بود. غنی به زخمی‌های این رویداد اطمینان داد که کشور را از این وضعیت نجات می‌دهد. به روز پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته یک حمله‌ی انتحاری در تالار مرکز فرهنگی فرانسه در کابل انجام شد که بر اثر آن یک شهروند خارجی کشته و بیش از ده تن دیگر زخمی شدند.

اطلاعات روز:
محمد ایوب سالنگی، سرپرست وزارت امور داخله‌ی کشور اعلام کرد که برای محو کشت کوکنار، برنامه‌ی جدیدی روی دست گرفته شده است. او در ادامه گفت که در حال حاضر اراده‌ی سیاسی در امر مبارزه با مواد مخدر وجود دارد و نیروهای امنیتی نیز در راستای از بین بردن این پدیده مصمم اند.

اطلاعات روز:
محمد ایوب سالنگی، سرپرست وزارت داخله‌ی کشور با رییس مأموریت پولیس اتحادیه‌ی اروپا در کابل، تفاهم‌نامه‌ای را برای ایجاد یک مرکز آموزشی برای پولیس زن در کابل به امضا رساند. در خبرنامه‌ی ارسال‌ی وزارت امور داخله به روزنامه‌ی اطلاعات روز آمده است که این نخستین مرکز آموزشی پولیس زن در کشور خواهد بود.

این مرکز در چوکات نهادهای آموزشی پولیس ملی کشور ایجاد می‌شود. سالنگی هنگام امضای این تفاهم‌نامه گفت، افزایش حضور زنان در

پولیس ملی و توجه به بهبود زمینه‌های کار برای زنان در صفوف این نیروها، از اهداف و اولویت‌های اساسی وزارت امور داخله است.

او افزود، این سربازان در نتیجه‌ی عملیات نیروهای امنیتی و تلاش‌های بزرگان محلی، از چنگ طالبان رها شدند. به گفته‌ی فروتن، سربازان آزاد شده سالم اند و به خانه‌های‌شان برگشته‌اند. طالبان حدود یک ماه پیش، با حمله بر پاسگاه‌های امنیتی در ولسوالی وردوج ولایت بدخشان، نزدیک به هفده سرباز پولیس

چهار پولیس دیگر در بدخشان از چنگ طالبان رها شدند

صقوف پولیس نمی‌پیوندد. بدخشان در شمال کشور از ولایت‌های نامن کشور به شمار می‌رود. ولسوالی وردوج این ولایت، جایی که این سربازان از آن‌جا از سوی طالبان اسیر شدند، از ولسوالی‌های مهم به شمار می‌رود که هرزگاهی شاهد حملات طالبان بوده است. این ولسوالی پیش از این به دست طالبان سقوط کرده بود.

خبرنگار وارانشی

هادی دریایی

رنج بی آدمی!

با اجازه‌ی شریف شخصیه‌ی تان، روز پنج‌شنبه در تالار لیسه عالی استقلال شهر کابل، یا بهتر است بگویم، پای گوش جناب اشرف غنی، انتحار شد. جای‌تان خالی! گفته می‌شود فرد انتحاری، نوجوانی بوده که تازه موهای زاید بدنش، حجرات مانع را انتحار کرده و سر از نهان بیرون آورده بوده‌اند. هرچند تعداد دقیق کشته و زخمی این انتحار معلوم نیست؛ اما از طرز «خدای شکرهای مقام‌ها» می‌توان حدس زد که تلفات سنگینی در پی نداشته. این که نوجوان انتحاری مواد انفجاری را کجا جاسازی کرده بوده، هنوز نمی‌توان درست قضاوت کرد. یک‌عده می‌گویند که به مناسبت هوا، مواد انفجاری در زیرپوشی آن نوجوان جاسازی شده بوده و نیز می‌توان این احتمال را داد که ممکن است مواد انفجاری در ماتحت آن نوجوان سن‌خام جاسازی شده باشد. خواهش می‌کنم ذهن خویش را به عملیات ممکنه‌ی قبل از جاسازی نچرخانید! مخصوصاً از جنابان عالی‌رتبه‌ی امنیت‌مراج مردم‌فریب والااراده خواهش می‌کنم که حساب خاطر خویش را داشته باشند و نگذارند آن خاطر نازک انسانی‌شان برنجد! خاطر نازک انسانی گفتیم، گفتیم یا نه؟! قسم می‌خورم که نگفتم! می‌توانید ثابت کنید؟ البته ممکنه تا وقتی که بنده موتر زره نداشته باشم، شما بتوانید ثابت کنید. ولی به خدای حق و متعال قسم، همین که بنده صاحب موتر زره شدم، شش تا حویلی را برای خواب و زندگی در کابل خریدم و ده-دوازده نفر را محافظ گرفتم و از امنیت ملی هر لحظه برایم گزارش رسید که فلان‌جا امکان اتفاق یک حادثه‌ی خطرناک می‌رود و من نباید در آن مسیر گشت‌وگذار نمایم، دیگر توان ثبوتش را ندارید. دست‌تان خلاص تا خانه‌ی کعبه! اما خوش‌بختانه که بنده نه موتر زره دارم و نه از محافظ و گزارش و حویلی‌های مطمئن خبری است، بناءً از روی ناچاری این خاطر نازک انسانی را کمی شرح می‌دهم. خاطر نازک انسانی شبیه اکسیجن است. زیاد است. ضروری است، اما رایگان است. مثلاً همین که روز پنج‌شنبه گذشته در تالار لیسه‌ی عالی استقلال انتحار شد، من فوراً خاطر را بیرون کشیدم و با سرعت تمام آن را رنجاندم. چرا؟ چون دوستان زیادی در آن‌جا برای تماشای تیاتر رفته بودند. مخالفان سیاسی آقای رییس جمهور مسئولیت این حمله را به دوش گرفته و به‌شدت ابراز تأسف می‌کنند. آن‌ها گفته‌اند، از وقتی که رشته‌ی سیاسی ما به مخالفت کشیده شده، ما مدام تلاش می‌کنیم با هر انتحار، ده‌ها و صدها انسان را بکشیم، اما بدبختانه روز پنج‌شنبه به این هدف نایل نشدیم. آن‌ها این حمله را کار خام یک انسان خام خوانده و معتقدند، اگر به‌جای این نوجوان، یک مرد نوپیر را می‌فرستادیم، بدون شک که دست‌کم چهل نفر را به سزای انسان بودن‌شان می‌رساندیم. البته سختگوی طالبان طی یک اس‌رام‌اس تیلیفونی ابراز داشته که ملت شریف افغانستان مجاهدین طالب را ببخشند، واقعا امکان نداشت. ما باید انتحاری را با لباس مکتب وارد می‌کردیم و اگر لباس مکتب را تن یک مرد نوپیر می‌کردیم، ممکن بود پولیس بر او شک کند و وی را تلاشی نماید. ناچاراً یکی از نوجوانان خویش را برای ارائه‌ی خدمت عرضه نمودیم. طالبان قول می‌دهند در انفجار بعدی، ده‌ها خانواده را بر کرسی بالای غم بنشانند. منتظر باشید!

با وجودی که هر روز خبرهای انتحار و انفجار و جنگ را می‌شنویم، من تقریباً به این نتیجه رسیده‌ام که طالبان کدام خواست و خواهشی از ما مردم دارند. وقتی خوب فکر می‌کنم، متوجه می‌شوم که طالبان نیاز به قدرت دارند. آن‌ها برای قدرت می‌جنگند. چون هم مکتب را به آتش می‌کشاند، هم در مسجد بمب جاگذاری می‌نمایند، هم راه خراب می‌کنند و هم هر جا که دل‌شان شد، انتحار می‌کنند. شاید خواهش طالبان از ما این باشد که اگر زحمتی نیست، ما خودمان را بکشیم تا آن‌ها مجبور نباشند که برای کشتن ما از هفت‌خوان اشرف غنی عبور کرده و خیلی راحت هر روز جمعی از ما را به مرگ بکشانند! به نظر من این یک خواهش سیاسی است. شاید همین که آقای رییس جمهور می‌گویند، مخالف سیاسی، از روی همین نکته گفته باشد. ورنه زندگی مردم و هم‌وطنان آقای رییس جمهور، سیاست رییس جمهور نیست که طالبان با آن مخالفت داشته باشند. سیاست رییس جمهور حتا از همان زمان انتخابات که امرخیل بابا هنوز به حج نرفته بود، تقریباً مشخص شده بود. بگذریم، ما که کاری به سیاست نداریم. فقط از خودم خواهش می‌کنم که در این شرایط گدود، رییس جمهور نشوم؛ چون اتوماتیک یک عالم مسئولیت به گردنم می‌افتد که من با این قاق‌رودگی از پس آن برنمی‌آیم. ولی خیلی دلم می‌خواهد مثلاً من وزیر مبارزه با امور زنان شوم؛ چون همیشه از خطر دورم، سروکارم با طالبان نیست، در قسمت سیاست حکومت و خط مشی حکومت در قبال طالبان هم دخیل نیستم. می‌توانم راحت به وظیفه‌ی محوله‌ی خویش برسم، زندگی کنم، لذت ببرم، سفرهای خارجی و داخلی گران‌بها داشته باشم و به هر خانی هم که دلم خواست، تقدیرنامه اهدا کنم. دیزایش را هم خودم بکنم! آری به‌خدا کیف می‌کند. عاقای رییس جمهور! می‌بینی که نزدیک است دیوانه شوم! می‌دانم که قول داده‌ای به هر قیمتی که شود، امنیت را به افغانستان می‌آوری! اما عزیز دل برادر! ما امنیت را به هر قیمت نمی‌خواهیم. فعلاً که هر روز قیمت این امنیت لعتنی شما بالا می‌رود. میاری بیار، نمیاری برو خدا یارت! این مملکت هم عجب از بی‌آدمی رنج می‌کشد! همین رنج بی‌آدمی است که دشمن جان مردم، برای تو فقط مخالف سیاسی محسوب می‌شود جناب!

یک امضا و ۱۵ میلیون خساره برای دولت

(ویس برمک، وزیر پیشین احیا و انکشاف دهات

با یک امضا ۱۵ میلیون افغانی به دولت خساره وارد کرده است)

.....بسم الله محبت

بر اساس اسناد، «شرکت کرایه‌دهی وسایط عابد» در جلسه‌ی هیأت بررسی ادعا کرده که در سال ۲۰۱۱ قرارداد ۱ یک میلیون و ۸۰۰ هزار دالری حمل‌ونقل نیروهای بین‌المللی (آیساف) را در کارنامه‌اش دارد؛ اما سندی مبنی بر درست بودن این ادعا وجود ندارد و این شرکت در جواب به استعلام ریاست تهیه و تدارکات وزارت احیا و انکشاف دهات نگاشته است: «این قرارداد مستقیماً همراه قوای آیساف عقد شده و هیچ ارگان امنیتی مربوط دولت اسلامی افغانستان از این قرارداد آگاه نیست و این گروه که ما همراه‌شان قرارداد نموده بودیم، در اده‌ی نظامی بگرام قرار داشت.»

این در حالی است که بر اساس قانون، این استعلام باید به نشانی قوای آیساف فرستاده می‌شد تا آنان در مورد درستی ادعای این شرکت، معلومات می‌دانند؛ اما ریاست تدارکات این وزارت، خلاف قانون، این درخواست‌نامه را به نشانی خود این شرکت فرستاده است.

نقش وزیر در این ماجرا

۱. صداقت‌الله، مشاور تدارکات وزارت احیا و انکشاف دهات و نور آغا احمدزی، مشاور واحد پالیسی تدارکات وزارت مالیه بازی‌گران اصلی در این قضیه‌اند که طی یک نامه‌ی رسمی، از سوی ویس احمد برمک، وزیر [پیشین] احیا و انکشاف دهات، در ترکیب هیأت بررسی شامل شده‌اند و بر دیگر اعضای این هیأت فشار آورده‌اند که مطابق خواست آنان عمل کنند.

۲. در گزارشی که آقای برمک به اداره‌ی دادستانی کل فرستاده، یک اصل شرط‌نامه را مبنی بر این که شرکت‌ها باید مدرک تصفیه‌ی مالیه، تأیید آیساف، وزارت ترانسپورت و دادگاه تجارتی را به کمیسیون داوطلبی ارائه می‌کردند، انکار کرده است.

هم‌چنین وزیر احیا و انکشاف دهات در گزارشش به دادستانی نوشته است که شرکت برادران ورس مبلغ ۷۷۸۸۵۲۵۰ افغانی را که شرکت‌های داوطلب باید در پس‌زمینه‌ی کاری‌شان داشته باشند، ندارد؛ در حالی که بر اساس اسنادی که این شرکت به هیأت بررسی پیش‌نهادها داده است، بیش از ۱۱۲ میلیون افغانی پول قراردادهایی است که شرکت برادران ورس از قراردادهای قبلی‌اش به‌دست آورده است. افزون بر این، آقای وزیر در نامه‌اش به دادستانی گفته است که شرکت برادران ورس شرایط شرط‌نامه و قانون تدارکات را تکمیل نکرده است؛ در حالی که بررسی‌های دادستانی نشان می‌دهند که این شرکت تمام این شرایط را تکمیل کرده است.

۳. آقای وزیر با استفاده از مقامش، از تحت پیگرد قرار گرفتن دو مشاور و اعضای هیأت بررسی جلوگیری کرده است و درخواست قانونی دادستانی کل را مبنی بر حضور یافتن این افراد در دادستانی برای بازجویی، نادیده گرفته است.

۴. آقای وزیر شخصاً این تصمیم را که از نگاه قانونی درست نیست، منظور کرده است و طی یک نامه‌ی رسمی، آن را به کمیسیون ویژه‌ی تدارکات وزارت مالیه فرستاده است. اما کمیسیون ویژه‌ی تدارکات وزارت مالیه به‌خاطر اعتراض شرکت برادران ورس و تحت بررسی بودن قضیه از سوی نهادهای عدلی و قضایی، این تصمیم را نپذیرفته است و در جواب به نامه‌ی وزارت احیا و انکشاف دهات نوشته است که این وزارت ابتدا باید این قضیه را با ارگان‌های قضایی حل‌وفصل کند.

این استاد به‌درستی می‌رساند که ویس احمد برمک، وزیر پیشین وزارت احیا و انکشاف دهات از صلاحیتش سوء استفاده کرده و به گونه‌ی غیرقانونی به‌سود افراد مرتبط به خودش کار کرده است. گفته می‌شود فسادهای به مراتب بزرگ‌تر از این در اداره‌ی حکومت آقای کرزی، رییس جمهور پیشین کشور وجود داشته‌اند و توقع می‌رود حکومت وحدت ملی افراد آلوده به فساد حکومت قبلی را تحت پیگرد قانونی قرار دهد.

بر اساس تحقیقات دادستانی کل اما، برخلاف اصول و قوانین، هیأت موظف در این داوطلبی، شرکت عابد را که یک شرکت «کرایه‌دهی وسایط» است، نه حمل‌ونقل، برنده‌ی این داوطلبی اعلان کرده است. هم‌چنان در ارزیابی دادستانی کل آمده است که این شرکت (شرکت عابد) شرایط مندرج در شرط‌نامه را نیز تکمیل نکرده است. تصمیم این هیأت مبنی بر برنده شناختن شرکت عابد، پس از تأیید از سوی کمیته‌ی تدارکاتی، از سوی ویس احمد برمک، وزیر انکشاف دهات منظور شده و به کمیته‌ی خاص تدارکات وزارت مالیه ارسال شده است.

این در حالی است که مجموع قیمت پیشنهادی این شرکت، ۱۴۸۲۹۸۱۱ افغانی بلندتر از قیمت پیشنهادی شرکت برادران ورس است و تصمیم نادرست این وزارت، در صورت عملی شدن، این مقدار از پول دولت را به‌طور غیرقانونی به جیب افراد استفاده‌جو می‌فرستاد.

اعضای هیأت ارزیابی پیش‌نهادها

۱. سید حسن احمدی، مدیر عمومی حمل‌ونقل ریاست اداری این وزارت
۲. عبدالواحد، نماینده‌ی ریاست ریاست مالی
۳. سیفالرحمان، نماینده‌ی ریاست تهیه و تدارکات
۴. نورالحق، مدیر عمومی قراردادها
۵. سید عبدالله، مدیر تسهیل و تعقیب ریاست تدارکات
۶. صداقت‌الله، مشاور تدارکات وزارت احیا و انکشاف دهات
۷. نور آغا احمدزی، مشاور واحد پالیسی تدارکات وزارت مالیه

سه تن از اعضای هیأت موظف از سوی این وزارت در جواب به نامه‌ی دادستانی کل گفته‌اند که با وجود مخالفت با این تصمیم، زیر «فشار و تهدید» صداقت‌الله، مشاور تدارکات وزارت احیا و انکشاف دهات و نور آغا احمدزی، مشاور تدارکات واحد پالیسی وزارت مالیه این فیصله را امضا کرده‌اند.

آنان هم‌چنین به دادستانی گفته‌اند که این دو مشاور نظر به هدایت وزیر، طی نامه‌ی رسمی شماره ۵/۶۸۰، برای بررسی «روند ارزیابی از لحاظ قانون تدارکات» در ترکیب هیأت شامل شده‌اند و گزارش این نشست داوطلبی نیز از سوی این دو نفر «در فراموشی وزارت مالیه» ترتیب شده است؛ در حالی که این گزارش باید از سوی اعضای هیأت نوشته می‌شد.

بر بنیاد اسناد دادستانی کل، هیأت تدارکاتی این وزارت از جواب دادن به این موضوع «طفره» رفته و به‌جای «ارائه‌ی دلایل قانونی، صرف چگونگی جریان نظر هیأت ارزیابی را شرح داده که این به‌خودی خود می‌رساند که آن هیأت نیز روی عوامل خارجی و به‌صورت غیرمدلل و موجه، به عمل و اجرائات غیرقانونی مبادرت ورزیده است.»

در گزارش اداره‌ی دادستانی کل آمده است: «... آفر [پیش‌نهاد] شرکت ترانسپورتی و مسافری برادران ورس نسبت به سایر شرکت‌های اشتراک کننده واجد شرایط، هم از لحاظ مالی و هم از لحاظ تخنیک، طبق بند ۴ ماده‌ی ۳۳ قانون تدارکات و ماده‌ی ۲۷ طرز‌العمل تدارکات عامه، آفر جواب‌گو و برنده‌ی پروسه محسوب می‌گردد؛ اما فیصله‌ی هیأت مبنی بر برنده شناختن شرکت عابد، «خلاف ماده‌ی ۳۳ قانون تدارکات، طرز‌العمل تدارکات عامه و شرط‌نامه‌ی معیاری به نفع شخصی و به ضرر دولت صورت گرفته است، که در نتیجه‌ی تطبیق آن، مبلغ ۱۴۸۲۹۸۱۱ افغانی خساره به دولت عاید می‌گردد.»

این در حالی است که بر اساس قانون، در ترکیب هیأت بررسی پیش‌نهادها، نماینده‌ی وزارت ترانسپورت نیز باید حضور می‌داشت. این موضوع را وزارت ترانسپورت چندین بار و از جمله امسال طی یک نامه‌ی رسمی (نامه‌ی شماره ۲۵۶، تاریخ ۲۶ اسد ۱۳۹۳) به وزارت احیا و انکشاف دهات یادآوری کرده است. اما اعتراض نماینده‌ی وزارت ترانسپورت بر تصمیم هیأت، در نظر گرفته نشده است.

وزارت احیا و انکشاف دهات در یک نشست داوطلبی مبنی بر سپردن قرارداد حمل‌ونقل مأموران این وزارت به یک شرکت ترانسپورتی، به‌خاطر «زودبندگی شخصی»، به ضرر دولت فیصله کرده است. در صورت عملی شدن این تصمیم، حدود ۱۵ میلیون افغانی از خزانه‌ی دولت به باد داده می‌شود.

بر اساس ادعای شرکت حمل‌ونقل برادران ورس و بررسی‌های انجام شده از سوی دادستانی کل، این شرکت با وجود واجد شرایط بودن در داوطلبی حمل‌ونقل مأموران وزارت احیا و انکشاف دهات، از سوی هیأت موظف این وزارت رد شده و قرارداد حمل‌ونقل مأموران این وزارت به شرکتی داده شده که به هیچ‌وجه واجد شرایط عقد این قرارداد نبوده است.

بر اساس اسناد دادستانی کل، شرکت برادران ورس تمامی شرایط داوطلبی را تکمیل کرده و از میان چهار شرکتی که در این داوطلبی شرکت کرده بودند، این شرکت از هر لحاظ واجد شرایط برنده شدن بوده است؛ اما مسئولان وزارت احیا و انکشاف دهات، خلاف اصول و قوانین، شرکت عابد را که اصلاً یک شرکت مسافری نیست، در این داوطلبی برنده اعلان کرده است.

بر اساس شرط‌نامه‌ی که از سوی این وزارت برای شرکت‌های داوطلب داده شده بود، شرکت‌ها باید مدرک تصفیه‌ی مالیه، تأیید آیساف، وزارت ترانسپورت و دادگاه تجارتی را به کمیسیون داوطلبی ارائه می‌کردند، اما گفته می‌شود، شرکت عابد که از سوی این وزارت برنده‌ی داوطلبی شناخته شده، هیچ‌کدام این شرایط را پوره نتوانسته است.

بر بنیاد اسنادی که اطلاعات روز به آن دست یافته، ویس احمد برمک، وزیر پیشین احیا و انکشاف دهات در این اقدام غیرقانونی دست دارد و فیصله‌ی هیأت بررسی پیش‌نهادها را امضا کرده است.

تفصیل ماجرا

بر اساس اسناد به‌دست آمده، در ۱ اسد ۱۳۹۳ دومین دور داوطلبی حمل‌ونقل مأموران وزارت احیا و انکشاف دهات از سوی ریاست تهیه و تدارکات این وزارت با قیمت تخمینی ۵۷۹۲۳۵۰۰ افغانی برگزار شده بود. در این داوطلبی چهار شرکت حمل‌ونقل با قیمت‌های پیشنهادی‌شان بابت ۳۹ موتر (خرد و بزرگ) در هر روز، شرکت کرده بودند:

۱. شرکت بامیکا، قیمت پیشنهادی: ۶۹۰۰۰ افغانی، قیمت ارزیابی شده: ۶۹۰۰۰ افغانی.
۲. شرکت برادران ورس، قیمت پیشنهادی: ۱۹۹۰۰۰ افغانی (۵۴ درصد کمتر از قیمت تخمینی)، قیمت ارزیابی شده: ۹۱۶۵۴ افغانی.
۳. شرکت عابد، قیمت پیشنهادی: ۱۵۰۹۷۴ افغانی، قیمت ارزیابی شده: ۱۵۰۹۷۴ افغانی.
۴. شرکت مرکزیمیا، قیمت پیشنهادی: ۲۴۹۸۴۰ افغانی، قیمت ارزیابی شده: ۳۲۵۹۴۶ افغانی در هر روز.

هیأت بررسی پیش‌نهادها باید بر اساس قانون از میان این شرکت‌ها شرکتی را برمی‌گزیدند که شرایط مندرج در شرط‌نامه را تکمیل کرده بود و قیمت پیشنهادی‌اش نسبت به شرکت‌های دیگر، پایین می‌بود. بر این اساس، از میان این چهار شرکت، شرکت برادران ورس از هر نگاه واجد شرایط برنده شدن در این داوطلبی بوده است.

از میان این شرکت‌ها، شرکت بامیکا به دلیل این که شرایط شرط‌نامه را تکمیل نکرده بود، رد شد. پیش‌نهاد دوم از نظر قیمت، مربوط به شرکت برادران ورس است. این شرکت قبلاً نیز قرارداد حمل‌ونقل مأموران این وزارت را در اختیار داشته و در زمینه‌ی حمل‌ونقل مأموران چندین اداره‌ی دیگر، بیش از پنج سال تجربه دارد. هم‌چنین شرکت برادران ورس مطابق ماده‌ی ۱۲۶م شرط‌نامه، از سوی اداره‌ی آیساف، محکمه و ریاست‌های سکتور خصوصی و مالیه‌دهندگان تأیید شده است و تضمین‌های بانکی و دیگر شرایط لازم را نیز تکمیل کرده است.





مدی زرتشت

مسکو افغانستان در نگاه

تهدید قدیمی و جدید امنیت در آسیای مرکزی؛ چالشی برای سیاست دفاعی و سیاست خارجی روسیه

نویسنده: آندری کازانتسیف، رییس مرکز تحلیل
دانشگاه وزارت خارجه روسیه (МГИМО)
منبع: وبسایت دانشگاه МГИМО

بخش اول

اخیراً اجماع روسیه در ارتباط به برخی رویدادهای حیاتی و به طور اخص، در ارتباط به «بحران اوکراین» متمرکز شد و به طور گسترده - از همین دریچه - مسایل مربوط به روابط میان روسیه و غرب، مورد بحث و بازبینی قرار گرفتند. بسته به این موضوع، وضعیت در آسیای مرکزی به اندازه کافی نگران کننده است و در واقع، این مسئله یکی از چالش‌های عمده برای امنیت روسیه است. چشمان آگاه کارشناسان مسایل آسیای مرکزی این واقعیت را به خوبی درک و دیده نمی‌توانند که کلیشه‌ی مشکلات «فضای پس از شوروی» اخیراً زیر دست رسانه‌های زرد، در جامعه‌ی روسیه و حتی میان آگاهان و کارشناسان، مورد بازبینی است. این مسئله باعث می‌شود که عموم مردم از زاویه‌ی تعجب، نسبت به تعدادی از جنبه‌های تأمین امنیت کشور ما نگاه کنند. در چنین دیدگاه کارشناسانه، من تنها چند مورد کلیدی را لمس می‌توانم.

اوضاع افغانستان و تأثیرات آن بر مسئله‌ی امنیت در کشورهای تحت حمایت شوروی سابق - کشورهای آسیای مرکزی - سایه‌ی سنگین خودش را دارد. به طور کلی، هرگونه ادامه و تقویت تهدیدهای سنتی در آسیای مرکزی، خطری برای امنیت روسیه تلقی می‌شود. اما همه‌ی این تهدیدها، ناشی و وابسته به اوضاع جاری در افغانستان همسایه اند. این فاکت‌های تهدید عبارت اند از تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی، قاچاق مواد مخدر (روسیه اولین کشور مصرف کننده‌ی هیروین افغانستان در جهان است) و تشکیل «یک دولت شکست خورده». وضعیت در افغانستان، متأسفانه یک ایتیمیزم [خوش بینی] امیدبخش نمی‌تواند باشد. اول تر از همه، تعادلی که میان دو نامزد اصلی ریاست جمهوری سابق شکل گرفته، از آن جایی ظریف و نازک است که هرکدام از دو طرف اصلی نماینده‌ی منافع یک گروه بزرگ است: اکثریت پشتون و اقلیت‌های ملی از شمال کشور و در درجه‌ی نخست تاجیک‌ها.

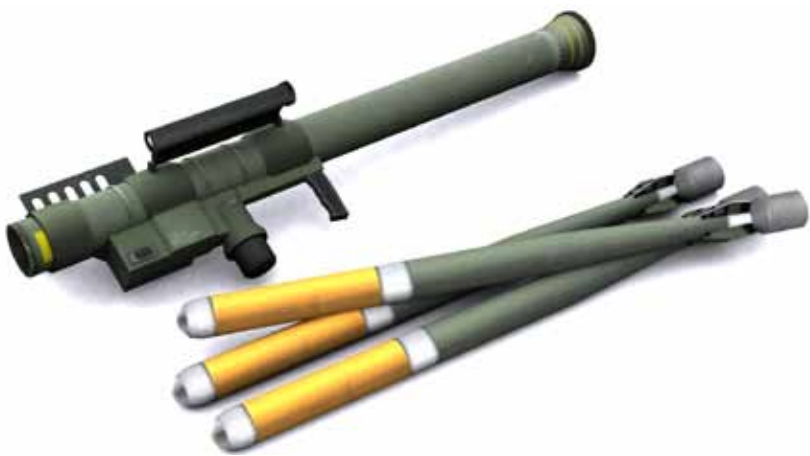
در اواخر ماه سپتامبر، مراسم تحلیف ریاست جمهوری برگزار شد و اشرف غنی [...] به عنوان رییس جمهور و عبدالله عبدالله، رقیب اصلی او در کارزار انتخاباتی، به عنوان رییس اجرایی سوگند وفاداری یاد نمودند. بسیاری از کارشناسان و از جمله خود من، به این نظر بودیم و هستیم که تعادل میان این دو رهبر و به ترتیب تشکلات گروهی این دو، بسیار ناپایدار است.

در ضمن، این وضعیت دیرینه و بسیار آشنا به وضعیت دوره‌ی اشغال افغانستان در زمان اتحاد شوروی است. در آن زمان، حزب دموکراتیک خلق افغانستان (Народно-демократическая партия Афганистана) به طور مداوم در رویارویی قرار داشت و در همان زمان تنش‌هایی اصل پشتون - جناح خلق و اصل تاجیک - پرچم (عمدتاً تاجیک‌ها) به شدت جریان داشت. و در واقع، در این مبارزات بود که دفتر سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (Политическое бюро ЦК КПСС) برای دست یافتن به راه‌حل، تصمیم به قتل حفیظ‌الله امین گرفت (یک پشتون سرسخت ناسیونالیست که مبارزه و سرکوب سرسختانه‌ی تاجیک‌ها و دیگر «پرچمی‌ها» را در دستور اصلی کار خود قرار داده بود) و قوای کماندوی شوروی، امین را به قتل رساند. سپس این مبارزات تا فروپاشی عملی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به صورت مخفیانه ادامه یافت. در واقع همان چیزی که ما امروز در کابل می‌بینیم؛ تداوم سنت مبارزه‌ی پنهان میان دو جناح تیم مبارزان تاجیک (مجاهدین) و پشتون‌هایی که در اطراف رییس جمهور کرزی گروه‌بندی شده بودند و در مرحله‌ی بعدی، این گروه‌بندی میان اشرف غنی پشتون و عبدالله‌ی پشتون تبار، جاگزین شده است. اشرف غنی (کارمند سابق بانک جهانی و یکی از استادان دانشگاه امریکایی که برای مدت طولانی از فضای افغانستان غایب بود) برای این که اصلیت پشتون خود را دگرگونه جلوه بدهد، به طور فعال حتی می‌خواهد نیمی از تبار قبیله‌ای خود - احمدزی - را بی‌اهمیت قلم‌داد کند.

در عین حال، پشتون‌هایی که به غنی رای دادند، در بسیاری از مناطق افغانستان به حمایت خود از گروه طالبان ادامه می‌دهند. اما سوال خیلی مهمی که باقی می‌ماند، این است که آیا فرماندهان تاجیک که در صف اردوی افغانستان در مقابل پشتون‌ها مبارزه می‌کردند، از این پس باقی خواهند ماند؟ به احتمال زیاد که آن‌ها در شرایط مناسب دقیقاً همان کاری را انجام خواهند داد که قبلاً کرده بودند: کاهش در کابل و متمرکز شدن به شمال افغانستان و خصلت «گذشت» که در زمان جنگ مجاهدین و پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی، رژیم نجیب‌الله برای این که آن‌ها را از هرنوع جنگ و رویارویی برحذر کند، مرتب اقناع‌شان می‌کرد. به عبارت دیگر، بقای رژیم در کابل و در وضعیت فعلی، به ادامه‌ی حضور نیروهای بین‌المللی و در درجه‌ی نخست، ارانه و ادامه‌ی کمک‌های ایالات متحده‌ی امریکا - کمک نقدی و کمک نظامی - بستگی دارد.

برگشت استیگر

عبدالرحمان رحمانی



بالا زده‌اند، پیام‌های ضدطالبانی پخش کنند و مایک مولن بگویند، «سرزمینی که استراتژی، تاکتیک و پلان و عملیات عقب دروازه‌های تمایز دوست و دشمن پنهان می‌شود»، همان‌گونه که رژیم کمونیستی هرگز نتوانست در مقابل «پشتون‌والی» پیامی مطابق به میل و رغبت مردم افغانستان، به خصوص قوم بزرگوار پشتون ایجاد کند، دولت افغانستان در سیزده سال گذشته و حکومت وحدت ملی در ۷۱ روز و جامعه‌ی جهانی، به خصوص ایالات متحده‌ی امریکا، قادر نبوده‌اند به بزرگ‌ترین قومی که در نبرد علیه‌شان قرار دارد، پیامی فراتر از، «برادران ناراضی»، «مخالفان سیاسی» و «افغانستان بار دیگر خانه‌ی امن تروریستان نخواهد شد»، داشته باشند. این در حالی است که پشتون‌والی پیام «عزت و شرم، انتقام و افتخار، وفاداری و صداقت، احترام و تکریم به بزرگان و مهمان‌نوازی» دارد. طالبان از «عزت» زنان‌شان که توسط نیروهای خارجی با «تلاشی بدنی» مورد اهانت قرار می‌گیرند، دفاع می‌کنند و نمی‌گذارند هیچ افغانی «شرم» سار باشد. برای «انتقام»، از کودکانی که به ضرب گلوله‌ی خارجی‌ها و کافران کشته می‌شوند، «افتخار» می‌آفرینند و این‌گونه «وفاداری، صداقت و احترام»‌شان را در برابر بزرگانگی که مورد دشنام و اهانت قرار می‌گیرند، ثابت می‌کنند تا در خانه‌های امن مردم خودشان مورد «مهمان‌نوازی» قرار بگیرند.^۱

راه‌کار دولت افغانستان در قبال طالبان چگونه باید باشد؟ دولت افغانستان مسلح شدن شبکه‌ی حسانی را به اسلحه‌ی ضدتانک و طیاره باید جدی بگیرد. برگشت استیگرها می‌تواند خسارت‌های هنگفت مالی به نیروهای امنیتی افغانستان وارد کند. هر هلی کوپتر از ۱۵ تا ۲۰ میلیون دالر هزینه می‌کند. دولت افغانستان از ضایع شدن ۲۰ میلیون دالر در برابر یک موشک ۲۰ هزار دالری باید اقدامات جدی‌ای را روی دست گیرد. خلیان‌ها و عمده‌های پروازی تنها انسان نیستند، هرکدام ماشین‌هایی اند که یک تا سه میلیون دالر ارزش دارند. ارزش عمده‌های پروازی را در برابر وحشی‌های طالب باید جدا مد نظر بگیرد. به باور من، صلح با زاری و تضرع به یک کشور نمی‌آید. دولت افغانستان نیازمند استراتژی جدیدی در قبال طالبان است. دولت افغانستان باید پیامی فراتر از «پشتون‌والی» ایجاد کند. به وعده‌هایش نسبت به مردم وفا کند. در عوض حیف‌ومیل ثروت و دارایی عامه، به کشاورزان کمک کند تا از کشت تریاک دست بشکنند. با سران اقوام و قبیایل در دوسوی مرز از نزدیک تماس برقرار بکند و پیامی را که فراتر از «پشتون‌والی» باشد، برای‌شان بدهد. نیروهای امنیتی را تقویت کند و پاسخ تفنگ را با تفنگ بدهد. در برابر مثلث شوم «ترور، تریاک و تفنگ» صادقانه مبارزه کند. دولت افغانستان نیازمند عمل است تا شعار، پیام‌های بازرگانی و پخش آن در مرکز نمی‌توانند مشکل مردم افغانستان را حل کنند. دولت افغانستان در برابر مردم افغانستان، چه شهری و چه روستایی، مسئولیت برابر دارد. در این میان روستاییان بیشتر از شهرنشینان آسیب‌پذیر اند و دولت افغانستان برای جلب حمایت روستاییان، برنامه‌های عمرانی و حیاتی زیادی را باید روی دست گیرد. ساخت‌وساز جاده‌ها، پل‌ها و بندهای برق در ولایت‌ها، از سفرهای خارجی مهم‌تر هستند.

شده و مثل کورها زمین‌گیر می‌شود. عملیات‌های شبانه که با هماهنگی کامل اجرا شوند، در نهایت باعث کشته شدن یا دست‌گیری دشمن می‌شوند. وقتی از هماهنگی صحبت می‌کنیم، بدون شک، تأمین ارتباط مخابراتی میان نیروهای زمینی و هوایی، موجودیت حمایت هوایی، کشف و بررسی ساحه‌ی عملیات توسط طیاره‌های کشفی، پرتاب روشن‌انداز برای هلی کوپترها و در نهایت، ارتباط میان همه‌ی قوای ماشینی و انسانی شامل عملیات، منظور است. نیروهای امنیتی افغانستان برای نخستین بار است که به اجرای چنین عملیات‌های ویژه‌ای دست می‌یابند. در زمان اشغال افغانستان توسط روسیه، نیروهای رژیم کمونیستی از قابلیت‌های جنگی بالایی برخوردار بودند؛ اما عملیات‌های پیچیده و ویژه‌ای که امروز نیروهای امنیتی افغانستان، آن‌هم در نبود نیروهای خارجی اجرا می‌کنند را هرگز نیروهای رژیم کمونیستی اجرا نمی‌توانستند؛ زیرا در آن زمان تکنالوژی هلی کوپترهای کشفی معرفی نشده بود. قشون سرخ، به‌شمول نیروهای امنیتی رژیم کمونیستی، با شعار «دایره‌ی مرگ» که توسط هلی کوپترهای بمب‌افکن ایجاد کرده بودند، بزرگ‌ترین صدمه را به مردم افغانستان در مجموع و نیروهای مجاهدین به‌خصوص وارد کردند. اما با معرفی استیگر از سوی ایالات متحده‌ی امریکا، دایره‌ی مرگ از هم پاشید و صدها میلیون دالر خسارت به استرلین وارد شد. جنرال والتر واکر، فرمانده نیروهای بریتانیایی در جنگ سرد گفته بود: «صد مرد با هلی کوپتر، بهتر از هزار مرد عمل می‌کند. برای من یک کندک مجهز با ۶ چرخ‌بال، از یک فرقه‌ی بدون هلی کوپتر ارزشمندتر است.» اما استیگرهای امریکایی مؤثریت هلی کوپترهای محبوب والتر واکر را به کابوس شب و رویای ترسند در افغانستان مبدل کرد. مؤثریت هلی کوپترها را زیر سوال برد و اگر ادعا کنم که استیگرها ۸۰ درصد در شکست روسیه در افغانستان نقش داشته‌اند، مبالغه و مغالطه نکرده‌ام.

با آن چه گفته آدم، بهتر است یک مقایسه میان راه‌کار مخالفان دولت در آن زمان و وضعیت فعلی افغانستان داشته باشیم. جهاد مردم افغانستان یک پیام مشخص داشت: «جنگ مسلمان علیه کافر» و در پی پیروزی مسلمان بر کافر، همه‌ی مردم افغانستان، زن و مرد، بسیج شدند. در زمان حاضر نیز طالبان یک پیام دارند، «جنگ مسلمان علیه کافر» و در پی پیروزی مسلمان بر کافر، طالبان به‌مراتب تاکتیکی‌تر، با استراتژی و برنامه‌ریزی خاص وارد عمل شده‌اند. طالبان برخلاف دولت افغانستان، میان «حرف» و «عمل»‌شان هماهنگی ایجاد کرده‌اند. از طریق پخش شب‌نامه‌ها به شیوه‌ی سنتی گرفته تا پخش تبلیغات از طریق شبکه‌های اجتماعی، فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب، به‌صورت گسترده در میان دو قشر روشنفکر و بی‌سواد نفوذ کرده‌اند. برای مردم افغانستان که روزانه ۳۲ بار «الحمد» می‌خوانند و بیش‌تر از ۱۰۰ بار «الله اکبر» می‌گویند، چه کسی می‌تواند بهتر از طالبان پیام «اسلامیت و مسلمانی» داشته باشد؟ وقتی برای روستاییان بارها تلقین شود که «افغانستان در شکست دادن کافران تاریخ دیرینه دارد»، وقتی پیامی به ویژگی ترانه‌ی مذهبی از طریق بلندگوها در میان مردم با صدای رسا و بلند «کافران و دست‌نشانده‌های‌شان همواره در پی تخریب دین هستند»، پخش شود، وقتی در وزیرستان جنوبی و وزیرستان شمالی که مردم‌شان بیش‌تر به کابل نگاه می‌کنند و بیش‌تر از کابل انتظار کمک دارند تا اسلام‌آباد، پیامی به ویژگی و بزرگی «اسلام شکست‌پذیر نیست» عرضه شود، جای شکی باقی نمی‌ماند که دولت افغانستان و همکاران بین‌المللی‌اش دست‌پاچه شده و از طریق تلویزیون‌های خصوصی که به نحوی فرهنگ بیگانه را ترویج می‌کنند و در پی مبتدل کردن ذهنیت سنتی مردم افغانستان آستین

ذهنیت غالب در کشور این است که پالیسی دولت افغانستان در سیزده سال گذشته و هم‌چنان حکومت وحدت ملی در قبال طالبان ناکام بوده است. همین ذهنیت را می‌خواهم در این نگاشته تقویت کنم و در ضمن راه‌کار و پیش‌نهاد نیز داشته باشم. پالیسی دولت‌های مرکزی از دیر زمانی زیر سوال است. جنگ‌های «گوریلائی» (پارتیزانی) یا همان «چریکی» به زبان عامیانه بُرد و باخت ندارد. در چنین نبردهایی، بی‌رحم‌ترین‌ها برنده‌تر هستند. وقتی دشمن هویتش مجهول باشد، موقعیت ثابت نداشته باشد، صف و تعدادش مشخص نباشد، مرکزیت و فرماندهی نداشته باشد، با چنین دشمنی جنگیدن کار ساده‌ای نیست.

در زمان جهاد افغانستان، از هفت تنظیم مشهور هیچ کدام نتوانستند تمام گروه‌ها و احزاب شامل جنگ را گردهم آورد و یک مرکز فرماندهی مشترک ایجاد کند. با وجود کمک‌های اقتصادی، معرفی راه‌کارهای دیپلماسی و کمک‌های نظامی سیل‌آسای روسیه به رژیم کمونیستی، رژیم هرگز نتوانست نیروهای پراکنده‌ی مجاهدین را شکست دهد. دولت کرزی در سیزده سال گذشته و حکومت وحدت ملی نیز با چنین یک سرنوشتی گرفتار هستند. طالبان افغانی، شبکه‌ی حسانی، شورای کوپته، شورای پشاور، طالبان پاکستان و لشکر جنگوی در درون پاکستان، گروه‌های تندرو بین‌المللی مانند القاعده، داعش و بوکوحرام نیز فرماندهی مشخص ندارند؛ اما فعالیت‌های پراکنده‌ی‌شان مردم را به ستوه آورده‌اند.

در آن زمان، روسیه بارها اعلان کرد که به‌صورت کامل نیروهایش را از افغانستان خارج می‌کند؛ قسمی که نیروهای نظامی‌اش را از یوگوسلاویا، چک‌سلواکی، ناروی و کره‌ی شمالی در ۱۹۴۵ و از فنلند در ۱۹۵۰ خارج کرد. اما یگانه عاملی که روسیه تا سال ۱۹۸۸ از افغانستان به‌صورت کامل نیروهایش را خارج نکرده بود، این بود که قبل از خروج مسالمت‌آمیز از افغانستان، از غرب می‌خواست به‌صورت مسالمت‌آمیز دست از حمایت افغانستان بردارد. در آن زمان تیوری «ایالت‌سازی شمال افغانستان» از سوی روسیه به‌شدت زیر کار بود که ایده‌ی وجود نیروهای استالین را در افغانستان، حداقل در مزار شریف، تقویت می‌کرد. اما اعلان خروج نیروهای روسیه از افغانستان هیچ‌گونه تأثیر روی استراتژی جنگی مجاهدین نمی‌گذاشت و جنگ روزبه‌روز گسترش می‌یافت و همه‌روزه مردم بی‌گناه و بی‌دفاع افغانستان قربانی می‌شدند.

اکنون نیز ایالات متحده‌ی امریکا بارها از خروج کامل نیروهایش از افغانستان خبر داده است و اما با هربار پخش خبر خروج نیروهای خارجی، جنگ در افغانستان بیش‌تر تشدید شده و طالبان به حملات‌شان افزوده‌اند. به گونه‌ی مثال، در آستانه‌ی سپردن مسئولیت جنگی از نیروهای بین‌المللی به نیروهای امنیتی افغانستان، امنیت ملی افغانستان خبر از دست‌رسی شبکه‌ی حسانی به سلاح‌های سنگین ضدتانک و هلی کوپتر می‌داد.

در زمان اشغال روسیه، افغانستان ۲۷۵ هلی کوپتر در داخل کشور و ۱۰۰ هلی کوپتر حمایتی در خارج از کشور داشت. غول‌های آهنی در درون افغانستان، در کابل، بگرام، مزار شریف، قندهار، شیندند و جلال‌آباد مستقر بودند؛ در حالی که هلی کوپترهای حمایتی که در صورت نیاز هلی کوپترهای داخلی را کمک می‌کردند، در ماری، ترمز، کشکه و دوشنبه خفته بودند.^۲ این در حالی است که تا سال ۱۹۸۷ از میان ۱۰۰۰ هواپیمای تخریب شده، ۸۰ درصد آن هلی کوپتر بود. بزرگ‌ترین تهدید در برابر هلی کوپترها، سلاح «استیگر» (Stinger SAM) بود که از سوی ایالات متحده‌ی امریکا برای مجاهدین کمک می‌شد. از زمان معرفی استیگرها در ۱۹۸۶، عملیات‌های نیروهای رژیم با کندی مواجه شدند و هلی کوپترها آهسته آهسته کارایی‌شان را از دست دادند. هلی کوپترها در کشورهای کوهستانی مانند افغانستان با محدودیت‌های نظیر نشست و برخاست در مناطق خاکی و برفی، نشست در مناطق کوهستانی، اجرای مانور در دره‌های باریک و تاریک و قطع ارتباط رادیویی در مناطق کوهستانی مواجه اند؛ اما بهترین و تأثیرگذارترین عملیات‌ها را به منصفی اجرا درمی‌آوردند. هلی کوپترها به عنوان «برادران بزرگ» نیروهای زمینی در هوا، در مجموع جان‌مایه‌ی نیروهای امنیتی هستند. بدون هلی کوپترها اجرای عملیات‌های ویژه با چالش مواجه شده و در موقعیت‌های حساس باعث شکست نیروهای دوست و پیروزی دشمن می‌شود. هلی کوپترها قابلیت انتقال سربازان در شرایط دشوار جوی، تاریکی شب و حالات کمین‌گیر شدن قوای دوست را دارا اند و شهکار نظامی را در عملیات‌های شب‌هنگام به رخ می‌کشند. عملیات‌های شب‌هنگام بزرگ‌ترین خسارت مالی و جانی را به دشمن وارد می‌کنند. دشمن در این عملیات‌ها غافل‌گیر

¹ War In A Distant Country Afghanistan: Invasion and Resistance, Page 66

^۲ «جنگ در کشور دورافتاده، افغانستان. از اشغال تا مقاومت.» نوشته‌ی دیوید سی ازی، ص ۶۵

³ Narrating The "Exit" From Afghanistan, Edited By: Steven R. Corman, Page 71

راه دراز رسیدن به اقیانوس؛ افغانستان در جستجوی بندر دریایی

منبع: EURASIA REVIEW

نویسنده: تمیم عاصی
برگردان: حمید مهدوی



دولت مردان و پالیسی‌سازان افغانستان سال‌ها تلاش کرده‌اند با روی دست گرفتن گزینه‌های سیاسی و یک سلسله ترتیبات، به یک بندر دریایی دسترسی انحصاری داشته باشند و از طبیعت محاط به خشکسای کشور فرار کنند.

برای نخستین بار، این رییس جمهور سردار محمد داوودخان (۱۹۷۳ - ۱۹۷۸) بود که این برنامه‌ی بزرگ را با حکومت تازه تشکیل شده‌ی پاکستان دنبال کرد. تلاشی که به‌رغم تمایل طرف پاکستانی به دادن دسترسی انحصاری به افغانستان در بندرهای گوادر و کراچی در بدل به رسمیت شناخته شدن خط دیورند توسط افغانستان، ناکام ماند. رضا شاه پهلوی (۱۹۴۱-۱۹۷۹)، شاه سابق ایران، که دوست خوب شاه افغانستان، ظاهرشاه (۱۹۳۳ - ۱۹۷۳) بود نیز دسترسی انحصاری افغانستان به بندر چابهار، در بدل توافق درازمدت تقسیم آب دریای هلمند را پیش نهاد کرد؛ اما به دلایل سیاسی، اداری و اقتصادی این پیش‌نهاد هرگز عملی نشد.

اخیرا رییس جمهور غنی از یک برنامه‌ی بزرگ تبدیل کردن افغانستان به پل زمینی آسیای مرکزی و جنوبی سخن گفته است. وی در کنفرانس اخیر لندن گفت که اولویت او پس از کنفرانس، کار روی پروژه‌های کلیدی زیربنایی برای بهبود ارتباطات منطقه‌ای خواهد بود، پروژه‌هایی چون سرک حلقه‌ای افغانستان، خطوط راه آهن و مهم‌تر از همه، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کوچک و متوسط زیربنایی که افغانستان را به جاده‌ی ابریشم امروزی و به یک مرکز ارتباطات منطقه‌ای تبدیل می‌کنند.

نظر به ادعای بانک جهانی، افغانستان یکی از بدترین سیستم‌ها در جهان را دارد و فاقد سیستم خطوط آهن است. افغانستان یک کشور محاط به خشکسای است و از بندر دریایی نزدیکش فاصله‌ی طولانی دارد که ۲۰۰۰ کیلومتر برآورد شده است. سیستم جاده‌ی فعلی به‌درستی نگهداری نشده است و صرف مردم شهری توسط سرک حلقه‌ای با هم وصل شده‌اند، سرکی که اعمار آن توسط کمک‌های گسترده‌ی کشورهای کمک کننده در یک و نیم دهه‌ی گذشته تکمیل شد.

حمل‌ونقل هوایی کشور به‌درستی حفظ و نگهداری نشده است. در این بخش سرمایه‌گذاری اندکی صورت گرفته است و فاقد یک چارچوب واضح سازمانی است. علاوه بر آن، بخش‌های عمده‌ی کشور، به‌ویژه مناطق روستایی، به دلیل داشتن آب‌وهوای خشن و بارش برف، به‌طور میانگین چهار ماه در یک سال با بخش‌های دیگر کشور ارتباط ندارند. همه‌ی این‌ها، موانع کلان بر سر راه سرمایه‌گذاران و متصدیان حمل‌ونقل هوایی بین‌المللی اند و نمی‌گذارند آن‌ها در زیربنای افغانستان سرمایه‌گذاری کنند.

علاوه بر آن، تنگنای ژئوپلیتیکی، امنیتی و مهم‌تر از همه، تنگنای سرمایه‌ی مالی برنامه‌ی کلان و بلندپروازانه‌ی دکتر غنی را مانع می‌شوند. افغانستان، اهرم سیاسی مورد نیاز برای وادار کردن همسایه‌هایش یا قدرت‌های منطقه‌ای به توافق با شرایط افغانستان در ساخت زیربنای سرکی که این کشور بدان نیازمند است و سرمایه‌ی مالی از قبیل هزینه‌های مورد نیاز برای راه‌اندازی چنین برنامه‌ی کلان را ندارد. سرمایه‌ی سیاسی و مالی صرف می‌تواند از هند، چین یا سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و بانک انکشاف آسیایی، در حالی که هر دو در پروژه‌های زیربنایی منطقه‌ای دیگر در آسیای مرکزی نیز دخیل اند، تأمین شوند.

این در حالی است که افغانستان هنوز با تروریزم منطقه‌ای که در اصل از پاکستان برای دنبال کردن منافع ژئوپلیتیکی این کشور و مقابله با حضور هند در افغانستان سرچشمه می‌گیرد، دست‌وپنجه نرم می‌کند. افغانستان در شرف جنگ نیابتی بین هند و پاکستان، روسیه و ایالات متحده و مهم‌تر از همه، عربستان سعودی و ایران است. کشورهای که همه منافع گوناگونشان را از طریق گروه‌های نیابتی‌شان دنبال می‌کنند. چین نیز به دلیل افزایش خشونت‌ها در ایالت سین‌کیانگ این کشور، به‌طور فزاینده‌ای خودش را اثبات می‌کند، هرچند وسعت تمایزش به افغانستان هنوز واضح نیست. تمام این دینامیزم‌های امنیتی و سیاسی منطقه‌ای، زندگی رییس جمهور غنی را دشوار ساخته و آرزوهایش در آینده نزدیک را تقریباً دست‌نیافتنی می‌سازند.

چین قبلاً ابتکار عمل جاده‌ی ابریشم را بر بسته ساخته و ۴۵ میلیون دلار امریکایی را به آن اختصاص داده است و این پروژه‌ای است که در واقع نفوذ چین را در آسیای مرکزی بیش‌تر خواهد ساخت و از طریق آن یک اقتصاد پویا در ایالت نازارام سین‌کیانگ ایجاد خواهد کرد. به علاوه، جاپانی‌ها و کوریایی‌ها نیز در تلاش بوده‌اند تا از طریق ابتکار عمل (جاده‌ی ابریشم جدید آسیای مرکزی به علاوه‌ی جاپان و کوریا)، از جمله پروژه‌ی ارتباطات ترانسپورتی اروپا-آسیا (EATL) که همه موفقیت نسبی یا اندک در دگرگونی دینامیزم‌های زیربنایی و تجارتی آسیای مرکزی داشته‌اند، یک تعداد پروژه‌های زیربنایی را در آسیای مرکزی راه‌اندازی کنند. فقدان اراده‌ی سیاسی، فقدان سرمایه‌ی مالی، زمین خشن و سخت و تأسیسات اداری ناشایسته باعث شده‌اند تا این دگرگونی اندک باشد.

از سوی دیگر، افغانستان به‌شدت به‌دنبال راه «لاچورد» بوده است. این راه راهی است که افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه را از طریق جاده و خط آهنی وصل می‌کند که مناسب‌ترین مسیر تجارت ترانزیتی در آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان و اروپای مرکزی است و هم‌چنین به‌طور مؤثر آسیای جنوبی و کشورهای اروپایی را با هم وصل می‌سازد. اهمیت این مسیر برای افغانستان این است که این مسیر، یک مسیر جاگزین است و هم‌چنین کوتاه‌ترین، ارزان‌ترین و امن‌ترین راه به مناطقی است که در بالا ذکر شده‌اند.

لاچورد از اقیانوس در ولایت شمالی فاریاب و تورغندی در ولایت غربی هرات افغانستان آغاز می‌شود و تا ترکمن‌باشی ترکمنستان ادامه می‌یابد و پس از عبور از دریای کاسپین، به باکو، پایتخت آذربایجان، می‌رسد و سپس باکو را با تفلیس، پایتخت گرجستان و هم‌چنین به بندرهای پولتی و باتومی گرجستان

چهارکد

یادداشت‌های سخیدادهااتف

باد نمی‌آید، چارشاخت را به من بده!

این داکتر سپنتای ما را خدا آن قدر عمر دراز بدهد که آخر خسته شود و بگوید، «خدا، سال ۱۴۵۰ شمسی شد، من چه وقت آزاد می‌شوم؟» مقاله نوشته و در آن گفته که این که امریکایی‌ها «لطیف محسود»، فرمانده طالبان پاکستانی را به پاکستان تحویل داده که نقض حاکمیت ملی افغانستان است. البته درست می‌گوید. دلیل این که درست می‌گوید هم این است که حالا که داکتر سپنتا وزیر خارجه و مشاور امنیت و این چیزها نیست، حاکمیت ملی افغانستان هم نازدانه شده و هی صبح و شام نقض می‌شود و می‌گوید، مرا به خانه‌ی پدرم برسانید. سابق حاکمیت ملی ما این قدر نازدانه نبود. اگر امریکا می‌آمد و می‌گفت، «دل ما شده که کزری را پنج سال دیگر هم رییس جمهور نگه داریم»، حاکمیت ملی ما اصلاً نقض نمی‌شد. می‌خواستند حاکمیت ملی ما را نقض کنند، اما هرچه زور می‌زدند، نقض نمی‌شد. چرا که حاکمیت ملی ما آن وقت شیر بود شیر.

راستی شیر گفتم، برادر یاد آمد. آقای سپنتا در مقاله‌ی خود گفته که اگر یک وقت رییس جمهور کزری به‌خاطر ملاحظات اخلاقی طالبان را «برادران ناراضی» می‌گفت، چندان ناموجه نبود. گفته که ولی حالا واقعا شرم‌آور است که این طالبان بی‌وجدان را آدم «مخالف سیاسی» بگوید. من در این جا نیمه‌آبروی و نیمه‌آفتابی شدم و معلوم نیست که خوش‌حالم یا غمگین. ظاهراً ما پیروان مکتب فرانکفورت این طور تصور می‌کنیم که برادر ناراضی به آدم نزدیک‌تر است تا مخالف سیاسی. یعنی اگر آدم یک خرس را برادر ناراضی خود بگوید، بیش‌تر مستوجب ملامت است تا این که کسی همان خرس را مخالف سیاسی خود بخواند.

به زبانی دیگر، تصور کنید که کسی مرا ببیند که غیق غیق گریه می‌کنم و بپرسد که مرا چه شده و من جواب بدهم، «پولیس ترافیک با مشت به دهنم کوفت که پروا ندارد، اما گریه‌ام از این است که دستمال بینی خود را هم به کمرم زد». گنج شدید؟ منظور این است که آدم اگر بگوید برادر ناراضی گفتن طالبان خیر است، خدا نیابورد روزی را که کسی آنان را مخالف سیاسی بخواند، شبیه همان مشت و دستمال بینی می‌شود. گریه بکن، اما نگو که از دستمال دردت آمده. آن چه دهننت را سرویس کرده، مشت است، بلایت را ببرم. البته مشت یک خاصیت دارد که دستمال بینی ندارد. ممکن است کسی که مشت به دهان آدم می‌زند، یادش رفته باشد که پیسه‌ی خود را درخانه بگذارد و آن را در مشت خود نگه داشته باشد. امکان دارد در هنگام مشت زدن آن پیسه از مشتش ساطع شود و در دهان آدم بیفتد و کام آدم شیرین شود. احتمال بعیدی است، ولی امکان دارد. مشت است دیگر. ممکن است باز شود.

وصل می‌کند و بعد به شهرهای قارص و استانبول ترکیه می‌رسد و در نهایت به اروپا پایان می‌یابد. اما این یک پروژه‌ی درازمدت و بسیار پیچیده است و عملیاتی شدنش در بهترین حالت یک دهه زمان خواهد برد. در عین زمان، افغانستان ضرورت دارد تا راه‌هایی برای کاهش وابستگی ترانزیتی و تجارتی به همسایه‌هایش بیابد و دید کلان دکتر غنی را که برای یک دوره‌ی پنج ساله انتخاب شده است، تحقق بخشد.

تابی و اپتا، تلاش‌های ناکام

یک مطالعه‌ی موردی خوب در مورد تبدیل کردن موقعیت جغرافیایی افغانستان از یک دین به یک دارایی، پروژه‌ی بدنام خط لوله‌ی گاز تابی است، پروژه‌ای که پس از سال‌ها هنوز راه‌اندازی نشده و پیوسته به دلایل مختلف و در رأس آن‌ها ژئوپلیتیکی، عدم موجودیت اتفاق نظر در مورد اجرت‌ها و مالیه‌های مختلف، امنیت و عدم موجودیت وجوه برای تأمین مالی این پروژه به تأخیر انداخته شده است.

موافقت‌نامه‌ی جنجالی ترانزیتی افغانستان و پاکستان (اپتا)، نمونه‌ی خوب دیگر است که در سال ۲۰۱۱ در نتیجه‌ی توافق میان دو کشور روی موافقت‌نامه‌ی ترانزیتی ۱۹۶۵ ایجاد شد. اما از آن زمان تا کنون پیوسته تخریب شده و در سال ۲۰۱۳ به‌خاطر موانع اداری و فقدان تعهد سیاسی در طرف پاکستانی برای عملی ساختن آن، دوباره در مورد آن گفت‌وگو شد. این دو نمونه صرف بر چالش‌های ژئوپلیتیکی بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی افغانستان و تبدیل کردن آن به نقطه‌ی اتصال آسیا دلالت دارند.

وضع منطقه - ژئوپلیتیک بر تجارت تقدم دارد

امروزه، امنیت و ژئوپلیتیک جاگزین هرگونه منافع اقتصادی و تجارتی در منطقه شده‌اند. دکتر غنی و اراده‌ی اقتصادی‌اش در تغییر گفتمان کنونی امنیتی و ژئوپلیتیکی به یک پارچگی اقتصادی میان افغانستان و کشورهای همسایه‌اش، زمان سختی خواهد داشت. در حال حاضر، پالیسی‌سازان و طرف‌های درگیر در مسایل سیاسی در منطقه به تروریزم، بنیادگرایی، جنگ‌های نیابتی و دیگر پدیده‌های منفی می‌اندیشند. تغییر فضای بی‌اعتمادی در میان کشورهای همسایه و روی دست گرفتن یک سلسله اقدامات در راستای اعتمادسازی، اولین گامی است که می‌تواند برای تغییر این گفتمان و طرز تفکر برداشت. این تغییر می‌تواند با برداشتن گام‌های کوچک آغاز شده و در نهایت به پیشرفت‌های بزرگ‌تر در زمینه‌ی تسهیل داشتن یک دید مشترک تجارتی و ترانزیتی برای منطقه بیانجامد.

سرمایه‌ی مالی و سرمایه‌گذاری - که آن را پرداخت می‌کنند؟

شبکه‌سازی شاهراه‌های جاده‌ای و خطوط آهن فراکشوری و چندین ملیتی در اروپا، آسیا و افریقا از قبیل جاده‌ی دوری - تیرا در بورکینا فاسو در نیجریه و جاده‌ی کنکان - کوری باماکو بین گینه و مالی، نشان می‌دهند که چنین اقدامات به‌طور میانگین به ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار نیاز دارند. افغانستان و همسایه‌هایش، به استثنای هند و چین، توانایی تأمین مالی چنین هزینه‌ای را نخواهند داشت. این‌ها سرمایه‌ی مالی و تخصص تکنیکی است که افغانستان ندارد؛ اما کشورهایی مانند چین و هند می‌توانند آن را تأمین کنند؛ اما این به تعهد قوی سیاسی و اقتصادی از سوی این دو کشور، بدون در نظر داشت منافع ژئوپلیتیکی آن‌ها، نیاز دارد.

علاوه بر آن، خبر خوش این است که بریک بانک و بانک انکشاف زیرساخت‌ها آسیایی که اخیراً در مورد آن‌ها بین بریک (برازیل، روسیه، هند و چین) و کشورهای سازمان همکاری‌های شانگهای در مورد آن توافق صورت گرفت، می‌توانند هزینه‌های برخی از این پروژه‌های کلان انکشاف زیرساخت‌ها را پرداخت کنند.

چالش سازمانی - آیا افغانستان مجموعه‌ی تأسیسات اداری لازم برای تبدیل کردن ایده‌های اشرف به واقعیت را دارد؟

دکتر غنی به داشتن ایده‌های عالی مشهور است. او یک فرد پرتلاش، پاک و پرتلاش است؛ اما از دهه‌ی ۱۹۶۰ اداره‌ای را به ارث می‌برد که حتا برای انجام وظایف ابتدایی‌اش، ظرفیت اندک داشته و هیچ ظرفیت ندارد، چه رسد به راه‌اندازی پروژه‌های پیچیده‌ی انکشافی زیربنایی و چندین ملیتی.

او برای این که چشم‌اندازش مبنی بر یک اقتصاد یک‌پارچه‌ی افغانستان با اقتصادهای منطقه را به واقعیت تبدیل کند، به یک اداره‌ی شایسته و بخش خصوصی پویا در افغانستان و منطقه ضرورت دارد. افغانستان در رده‌های پایین رده‌بندی سازمان شفافیت بین‌الملل قرار دارد و حضور حکومت مرکزی به‌سختی از شهرهای بزرگ فراتر می‌رود تا پروژه‌های کلان انکشافی چندین ملیتی را عملی سازد.

رویای پل زمینی و بندر دریایی - آیا شدنی است؟

افغانستان تا عملی شدن چشم‌انداز تبدیل شدنش به نقطه‌ی اتصال و میدان آسیای مرکزی و جنوبی، راه درازی برای رفتن دارد. این کار به اراده‌ی سیاسی، میلیاردها دلار سرمایه‌ی مالی، یک سرمایه‌ی انسانی سطح بالا، یک بروکراسی پیچیده، خدا حافظی با سیاست گذشته و مهم‌تر از همه، به یک دید مشترک درازمدت در میان کشورهای مرتبط نیاز دارد که با تحقق بخشیدن به چنین دیدی، منافع اقتصادی و تجارتی را تحقق بخشند. دسترسی افغانستان به یک بندر دریایی و تبدیل شدنش به پل زمینی منطقه قطعاً شدنی است؛ اما به یک دید جدید در سطح منطقه و بین‌الملل، همراه با توافق نظر منطقه‌ای در مورد یک‌پارچگی اقتصادی و تجارتی در آینده نیاز دارد. اما سفر تحقق بخشیدن چنین دیدی دشوار و طولانی است.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	100\$ USD	۲۵۰۰ افغانی	شش ماهه	۷۵۰ افغانی	سه ماهه
Annual	180\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله	۱۳۰۰ افغانی	شش ماهه
				۲۵۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسؤلیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



مصرف انتی بیوتیک زمان بارداری سبب چاقی کودک می شود



نتایج یک تحقیق نشان می دهند، فرزندان مادرانی که در دوران بارداری انتی بیوتیک مصرف کرده اند، ۸۴ درصد بیش تر در معرض چاقی قرار دارند. این تحقیق که به تازگی در نشریه بین المللی «OBESITY» منتشر شد، نشان می دهد که مصرف انتی بیوتیک در دوران بارداری به سلامت کودک آسیب وارد می کند و باعث تسهیل چاقی می شود.

در حقیقت این مطالعه که توسط محققان دانشگاه «کلمبیا» در امریکا انجام شده است، نشان داد: کودکی که مادرش در سه ماهه دوم و سوم بارداری انتی بیوتیک مصرف کرده است، بیش تر با خطر چاقی در ۷ سالگی مواجه است. تحقیقات قبلی نشان داده بود که مصرف انتی بیوتیک ها در زیر دو سالگی موجب افزایش چاقی در کودکان می شود؛ اما این تحقیق تأکید می کند که حتی مصرف انتی بیوتیک توسط مادر خطر آفرین است.

محققان در این تحقیق ۷۲۷ مادر را زیر نظر گرفتند و وضعیت ۴۳۶ نفر را تا هفت سالگی فرزندشان

کنترل کردند. آن ها دریافتند، مادران ۱۶ درصد این کودکان در دوران بارداری انتی بیوتیک مصرف کرده بودند. نتایج این تحقیق نشان داد، احتمال این که این کودکان دچار چاقی شوند، ۸۴ درصد بیش تر از کودکانی است که در معرض انتی بیوتیک قرار نگرفته اند. (جام جم آنلاین)



Malek Sitez' Think-Tank on civic and political values



آقایون، رییس صامبان!

کشور در حالت جنگ است. این کشور، وزیر جنگ، وزیر داخله و وزیر امنیت ندارد. چگونه این سرپرستان وزارتخانه ها، دل سرد و بی تفاوت و حتی خرسند از ضعف امنیت نباشند، چون می دانند که دیگر راهی در پیش رو نیست به جز بی سرنوشتی خود شان! «مخالفین سیاسی» شما لکه های خونین را به لیسه ای استقلال رسانیدند و به نهادهای فرهنگی، مدنی و حقوق بشری یورش بردند و شما هنوز نشستید اید که کدام وزیری پشتون است، کدام باید تاجک، هزاره و یا ازبک باشد. اگر چنین ادامه دهید قطره های این خون به دروازه های ارگ خواهد رسید. بزبون ترین حاکمان سیاسی آنانی هستند که شهروندان بی گناه، قربانی اشتباهات آن ها می شوند. لطفاً دوباره با خنده های مضحک در برابر کمره ها ظاهر نشوید. این کار خیلی ننگین است!

Farid Asadullahi



الف ب ت ث ...

برای لحظه ای عقل سلیم خود را (اگر داشته باشیم) به کار بیاندازیم و چندتا کشور را که در همسایگی هم قرار دارند، مثل چند تا خانه تصور کنیم. فرض کنیم که یکی از همسایه ها کمی با غیرت تر و سلحشورتر است و بالای خانه ای شما که در همسایگی اش قرار دارید، ادعای ارضی دارد. یعنی ادعا دارد که یک سوم حویلی شما مربوط ما می شود و باید آن را دوباره به ما برگردانید. سایر همسایه ها این ادعا را بی اساس می خوانند و حتی شورای ده و قشلاق نیز آن را بدون بنیاد و مبنای حقوقی و قانونی می پندارند. اما همسایه ای سلحشور شما بر این ادعای کاذب خود استوار هست و از آن یک وجب هم عقب نشینی نمی کند. شما تمام راه های مسالمت آمیز و مجراهای صلح آمیز را طی می کنید؛ اما به نتیجه نمی رسید و بالاخره به یک طرفد دست می زنید. شما می بینید که اعضای این خانواده ای سلحشور در عین حال که شهیدپرور اند، بعضا کم عقل تشریف دارند و به آسانی قابل استفاده اند. شما تمام زمین ها را بررسی می کنید و بالاخره از راه های گوناگون به آن ها نفوذ و تأثیرگذاری حاصل می نماید. یکی را با پول و دیگری را با پندار به بردگی می گیرید و مثل سگ به جان هم می اندازید تا بستر نابودی شان فراهم شود و تا ابد از این غلط ها نکند و بر املاک شرعی شما دست درازی نداشته باشد. حالا هم قضیه مثل خورشید روشن است و طفره رفتن دولت مردان و دولت زنان اوغانستان در این زمینه جز تباهی و ویرانی چیزی نصیب این خاک خراب آباد نمی کند. دیورند خط سرخ پاکستان است تا این معضل بی معنا پایان نیابد، خونریزی ها و دهشت افگنی ها را در این سرزمین پایانی نیست. تا مرزمان را با پاکستان روشن نکنیم، همایش گاه لیسه ای استقلال که چه، حتا بر سر سرفره های مان نیز اتحاری خواهد فرستاد.

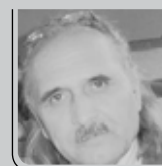
Ahad Farzam



پند نکته ای مهم در مورد حق رهایی از شکنجه

- حق رهایی از شکنجه و هر نوع رفتار تحقیرآمیز و ظالمانه، از زمره حقوق اساسی و بنیادین بشر است و تخطی از آن به صورت مطلق ممنوع می باشد. با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، این حق در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شد و شکنجه و هر نوع رفتار از آن دست، ممنوع گردید.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلام داشته است که تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابر اند، همه دارای عقل، وجدان و کرامت انسانی هستند. بنابراین، احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف کرامت انسانی و شئون بشری باشد.
- نقض حق رهایی از شکنجه، از نظر حقوق بین المللی بشردوستانه و عرف بین المللی نیز ممنوع می باشد؛ نقض این قاعده مصداق روشن جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت بوده و جرم بین المللی تلقی می شود.
- قاعده ممنوعیت شکنجه، امروزه در حقوق بین الملل چنان جدی شده است که از زمره قواعد آمره بین المللی محسوب می شود و نقض آن فراتر از یک تعهد معاهداتی، موجب مسئولیت بین المللی دولت هاست.
- رعایت این قاعده غیر قابل تعلیق، غیر قابل تراخی و توافق بوده و اعمال شکنجه در برابر هیچ فردی - به شمول خطرناک ترین مجرمان - و در هیچ حالت و شرایطی مجاز نیست. دولت ها مکلف به رعایت و حمایت از حق رهایی شکنجه در همه ای حالات و شرایط می باشند.
- شکنجه با هر دلیلی قابل توجیه نیست و برای رسیدن به هر هدفی، حتا مقصد کشف حقایق مرتبط با جرم، نمی توان به شکنجه متوسل شد. هرگونه سند و مدرکی که با توسل به شکنجه حاصل شده باشد، قابل استناد نیست و مشروعیت ندارد.

Partaw Naderi



جامعه مدنی افغانستان تا هنوز در فقر آگاهی به سر می برد. در میان کارمندان نهادهای مدنی کشور کمتر می توان افرادی را یافت که از آگاهی های لازم در زمینه های تاریخ فرهنگ، جامعه شناسی، سیاست و جریان های فکری جهانی و ملی آگاهی داشته باشند. شاید پایین ترین سطح مطالعه را بتوان در میان کارمندان نهادهایی پیدا کرد که از آن ها به نام نهادهای مدنی یاد می شود. هنوز شمار زیادی در پشت انبوه مایکروفون ها به جای جامعه مدنی، می گویند جامعه مدنی! حاکمیت انگلیسی پاکستانی دروازه های چنین نهادهایی را به روی هر چه دانشمند و کارشناس در کشور است، بسته است. این انگلیسی دست و پا شکسته پاکستانی زبان های رسمی کشور، فارسی دری و پشتو، را به جزایز انزوا تبعید کرده است. تجربه نشان داده است که شماری از آن هایی که در رأس نهادهای مدنی قرار دارند، در تلاش آن اند تا از سکوی جامعه مدنی به سوی مقام وزارت، معینیت و ولایت خیز آزاد بردارند و هم چنان نهاد خود را در اختیار داشته باشند! چنین هدفی پیوسته آن ها را بر آن می دارد تا سخن بر مراد امیر گویند تا از منبر جامعه مدنی!

عفونت های مقاوم به درمان،

تا سال ۲۰۵۰ بیش از سرطان قربانی خواهند گرفت



دالر خواهد رسید. به عبارت دیگر، در ۳۵ سال آینده سه صد میلیون نفر به خاطر عفونت مقاوم به درمان خواهند مرد که تولید ناخالص جهانی را در سال ۲۰۵۰ دو تا ۳.۵ درصد کاهش خواهد داد، یعنی معادل شصت تا صد تریلیون دالر. در این گزارش چهار روش درمانی که در تمام دنیا به صورت امری روزمره در آمده، به عنوان مثال بررسی شده اند: سزارین، تعویض مفصل، شیمی درمانی و پیوند اعضا که روی هم چهار درصد تولید ناخالص جهانی را تشکیل می دهند و به شدت به انتی بیوتیک ها وابسته هستند.

اگر انتی بیوتیک ها کارایی خود را از دست بدهند، در ۳۵ سال آینده فقط در همین چهار عرصه، ۱۲۰ تریلیون دالر به اقتصاد جهانی لطمه خواهد خورد. اگر دیگر آثار منفی مقاومت به انتی بیوتیک هم به حساب آورده شود، این رقم سر به ۲۱۰ تریلیون دالر خواهد زد.

این گزارش در پایان هشدار داده که از دست رفتن دست آوردهای پزشکی بشر در سال های اخیر غیر قابل بخشش خواهد بود و باید با سرمایه گذاری در زیرساخت ها، اقدام هماهنگ بین المللی و تولید داروهای جدید با این خطر مبارزه کرد: «این بحران جهانی در شرف وقوع است؛ اما با اقدام فوری می شود جلو آن را گرفت». (بی بی سی)

این رقم در سال ۲۰۵۰ به ده میلیون نفر خواهد رسید؛ در حالی که تخمین زده می شود، در آن سال سرطان هشت میلیون و دوصد هزار نفر قربانی بگیرد. بر اساس این گزارش، مقاومت به انتی بیوتیک فقط کشورهای ثروت مند را تهدید نمی کند و کشورهای کم درآمد هم در معرض این خطر هستند، به خصوص خطر سل، مالاریا و اینز مقاومت به درمان.

با این حال، تأثیر این مقاومت عوامل عفونی به درمان در کشورهای مختلف متفاوت است و بستگی به این دارد که مصرف انتی بیوتیک در هر کشوری چقدر متعادل یا چقدر بی رویه است.

«مصرف جهانی انتی بیوتیک در طب انسانی بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ تقریباً چهل درصد افزایش یافت؛ اما این رقم این واقعیت را نشان نمی دهد که مصرف انتی بیوتیک در بعضی کشورها کمتر شده و در بعضی بیش تر»؛ به نحوی که برخی کشورها تا ده برابر کشورهای دیگر انتی بیوتیک مصرف می کنند.

برای این که ابعاد قضیه بهتر روشن شود، این گروه تخمین زده، در صورتی که وضعیت کنونی ادامه پیدا کند، تا سال ۲۰۵۰ هر سال ده میلیون نفر به علت عفونت های درمان ناپذیر جان خود را از دست خواهند داد که هزینه ای جهانی آن به سه تریلیون

تابستان امسال، دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا کمیته ای را مسئول بررسی مقاومت به انتی بیوتیک کرد تا راه کارهایی را برای مهار این خطر جست و جو کند. نخستین گزارش این گروه روز پنجشنبه (۲۰ قوس، ۱۱ دسامبر) منتشر شد و در آن هشدار داده شده، هزینه ای انسانی مقاومت عفونت ها به درمان چنان عظیم است که یک اقدام جدی و اساسی را طلب می کند.

پروفیسور سالی دیویس، مشاور ارشد پزشکی انگلستان این گزارش را «مجاب کننده» خوانده که قدمی رو به جلو برای «درک ابعاد واقعی این تهدید است». در این گزارش آمده است، اگر برای مقاومت به انتی بیوتیک چاره ای اندیشده نشود، عفونت های درمان ناپذیر تأثیری عمیق و وسیع بر سلامت و بر اقتصاد کشورها به جای خواهند گذاشت و بسیاری از دست آوردهای پزشکی یک قرن گذشته از دست خواهند رفت.

«عفونت های مقاوم به انتی بیوتیک، در حال حاضر فقط در اروپا و امریکا سالانه جان پنجاه هزار نفر را می گیرد، در دیگر کشورهای دنیا هم صد هزار نفر قربانی می شوند؛ اما تخمین قابل اعتمادی در این باره وجود ندارد». این گزارش تخمین زده که در حال حاضر دست کم سالانه هفت صد هزار نفر در دنیا به علت عفونت های مقاوم به درمان، می میرند.

پیش‌نهاد ضدریالی منچستر یونایتد به دخیا

از داوید دخیا به عنوان جانشین احتمالی ایگر کاسیاس در ریال مادرید یاد می‌شود. تمام پیش‌بینی‌ها حاکی از آنند که دخیا تابستان آینده، یونایتد را به مقصد ریال ترک خواهد کرد. اما دیروز نشریه‌ی «سن» ادعا کرد که سران منچستریونایتد قصد دارند تا با یک پیش‌نهاد وسوسه کننده، این دروازه‌بان موفق اسپانیایی را به ماندن در جمع

استرلینگ یک قدم به ریال نزدیک‌تر شد

رحیم استرلینگ دیروز پیش‌نهاد تمدید قرارداد باشگاه لیورپول را رد کرد و شایعات جدایی او از سرخ‌های انفیلد قوت بیشتری گرفت. ستاره‌ی ۱۹ ساله‌ی تیم ملی انگلستان، حاضر به تمدید قرارداد با لیورپول نیست و پیش‌نهاد حقوق هفتگی ۷۰ هزار پوند مدیران این باشگاه را رد کرد. او خواهان حقوق ۱۰۰ هزار پوندی در هفته شده است. رسانه‌های انگلیسی از احتمال پیوستن او به

مورتنسن: ریالیم، ولی مسی بهترین بازیکن دنیاست

«ویگو مورتنسن»، بازیگر مشهور هالیوودی در مصاحبه با RAC ۱ اعتراف کرد که هوادار سرسخت ریال است؛ ولی مسی را به رونالدو ترجیح می‌دهد. مورتنسن که این روزها در اسپانیا به‌سر می‌برد، در مصاحبه با «RAC۱»، در مورد علاقه‌ی ویژه‌اش به فوتبال سخن گفت: «من عاشق فوتبالم و یکی از تفریحات مورد علاقه‌ام است. طرفدار کدام تیمم؟ من یک ریالی دوآتشه هستم و در ال کلاسیکو، همیشه دوست دارم بارسلونا تیم بازنده‌ی میدان باشد. اما این‌که من یک ریالی هستم، دلیلی بر

بوفون: یووه بازیکنی مثل رونالدو یا مسی را کم دارد

جیانلوئیجی بوفون، دروازه‌بان یوونتوس معتقد است که عدم حضور ستاره‌های مثل لیونل مسی یا کریستیانو رونالدو در یووه، باعث شده آن‌ها به عنوان مدعی قهرمانی در اروپا شناخته نشوند. بیانکونری‌ها ۳ فصل پیاپی قهرمان سری A شدند، ولی در لیگ قهرمانان، عملکرد بسیار ضعیفی از خود به‌جای گذاشتند. یووه حالا به عنوان تیم دوم به دور حذفی لیگ قهرمانان صعود کرده و ممکن است با تیم‌هایی مثل ریال، بارسا، بایرن، دورتموند، چلسی، مناکو یا پورتو روبرو شود. با این حال، بوفون معتقد است که بانوی پیر به

پیانچی: اسکودتو اولویت اول ماست

میرالم پیانچی، هافبک رم معتقد است که کسب اسکودتو، هدف اول رم از ابتدای فصل بوده است. جالوروسی با شکست ۲-۰ مقابل منچسترسیتی، از صعود به دور حذفی لیگ قهرمانان بازماند و حالا باید در لیگ اروپا به رقابت خود ادامه دهد. پیانچی معتقد است که حذف از لیگ قهرمانان برای آن‌ها ناراحت کننده است ولی از ابتدا اولویتشان نبوده است. او گفت: «اسکودتو همیشه اولویت اول ما بوده است. این که چهارشنبه شب حذف

تلاش آرسنال برای جذب پل پوگبا

آرسنال قصد دارد پیش‌نهادی برای خرید پل پوگبا، ستاره‌ی جوان یوونتوس ارائه دهد. این ستاره‌ی فرانسوی مشتریان زیادی بین تیم‌های بزرگ اروپایی دارد و رقابت شدیدی برای جذب او به وجود آمده است. به گزارش دیلی اکسپرس، او بارها عنوان کرده که می‌خواهد در یوونتوس

جوهارت در آستانه‌ی امضای قرارداد جدید با سیتی

جوهارت، دروازه‌بان منچسترسیتی قرارداد خود با این تیم را برای ۵ سال دیگر تمدید خواهد کرد و گفت که امیدوار است فوتبالتش را در این تیم به تمام برساند. دروازه‌بان انگلیسی به همراه جیمز میلنر، پیش‌نهاد تمدید قرارداد جدیدی دریافت کردند که طبق آن، حقوق گولر شماره یک انگلیس به ۱۵۲ هزار یورو در هفته خواهد رسید. کابایرو، گولر دوم سیتی که در اوایل فصل آینده هارت را دچار ابهام کرده بود، حال به نیمکت‌نشین تبدیل شده و هارت با خیال راحت قراردادش را تمدید خواهد کرد.

او در جمع خبرنگاران گفت: «تا جایی که می‌دانم، قرارداد جدید خیلی مرتب و خوب است. می‌خواهم تا جایی که می‌شود این‌جا بمانم. این‌جا را دوست دارم و عاشق همه‌چیزی هستم که در باری سیتی است. مدت‌هاست که در این باشگاه هستم. احساس می‌کنم که این‌جا دیگر باشگاه من است. از حضور در اینجا بسیار خوشحالم».

جوهارت سال ۲۰۰۶ از شربوز بری با ۶۰۰ هزار پوند به سیتی پیوست و موفق شد خود را اثبات کرده و به تیم ملی دعوت شود. قرارداد فعلی او تا سال ۲۰۱۶ اعتبار دارد.

مدیر برنامه‌های ویدیچ: نمانیا در اینتر می‌ماند

سیلوانو مارتینا، مدیر برنامه‌های نمانیا ویدیچ، مدافع باتجربه‌ی اینتر، شایعات اخیر در مورد احتمال بازگشت این بازیکن به منچستریونایتد را رد کرد. این ملی‌پوش سابق صرب در تابستان گذشته، بعد از ۸ فصل حضور در الدترافورد، به اینتر پیوست. اما در این فصل تنها ۱۳ بازی در همه رقابت‌ها برای نرآنزوری انجام داد و به همین دلیل، به‌تازگی شایعاتی در مورد احتمال بازگشت او به منچستریونایتد منتشر شد؛ اما مارتینا این ادعا را به‌شدت رد کرد. او به کارلچو مرکاتو گفت: «همه‌ی این شایعات دروغ است. ویدیچ قراردادی سه ساله با اینتر دارد و میلان را ترک نخواهد کرد. این شایعاتی که منتشر شده، بی‌معنا است و من دلیلی برای انتقال او به باشگاه‌های دیگر نمی‌بینم. این شایعات، یک بی‌احترامی به ویدیچ است. وقتی اینتر چند بازی‌اش را باخت، رسانه‌ها تردیدی در حمله به ویدیچ نکردند و او را تنها مقصر معرفی کردند. بار دیگر تکرار می‌کنم: او اینتر را ترک نمی‌کند».

کلوپ: وایدن فلر دیگر دروازه‌بان اول ما نیست



بورگن کلوپ، سرمربی بروسیا دورتموند تأیید کرد که رومن وایدن فلر جایگاهش در ترکیب اصلی این تیم را از دست داده و از این به بعد، میشل لانگراک به عنوان دروازه‌بان اصلی، درون دروازه‌ی این تیم خواهد ایستاد. وایدن فلر در رقابت‌های این فصل نمایش‌های چندان درخشانی در ترکیب دورتموند نداشت و اشتباهات زیادی در شکست‌های پیاپی تیمش مرتکب شد. به همین دلیل، سرانجام کلوپ تصمیم گرفت تا از لانگراک در ترکیب اصلی استفاده کند و اعلام کرد که حداقل تا پایان سال ۲۰۱۴، این روند ادامه خواهد داشت. او به خبرنگاران گفت: «من روز گذشته جلسه‌ی خوبی با رومن داشتم و در مورد تصمیمم با او صحبت کردم. از ابتدای سال جدید، بار دیگر از ابتدا شروع خواهیم کرد؛ اما در سه دیدار آینده، میچ دروازه‌بان اول خواهد بود». بازیکنانی مانند چپرو ایموبیله، شینجی کاکاوا و هنریک میخیتاریان در دیدارهای اخیر نمایش‌های خوبی ارائه ندادند؛ اما کلوپ معتقد است که مشکل تیمش جای دیگری است: «ما در چند هفته‌ی اخیر مشکلات زیادی داشتیم؛ اما مشکل اصلی ما مهاجمان مان نیستند. اگر چپرو موقعیت دوم یا سومش را از دست بدهد، هم‌چنان به‌دنبال موقعیت‌های بیش‌تر خواهد بود و آرامشش را از دست نمی‌دهد. او در حال پیشرفت است. شینجی در دیدار مقابل اندرلخت خیلی خوب کار نکرد؛ اما این به آن معنا نیست که نمی‌تواند در دیدار شنبه خوب کار کند. او هنوز توانایی‌های فوق‌العاده‌ی دارد. همه‌ی آن‌هایی که بازی‌های ما را دنبال می‌کنند، می‌دانند که میخیتاریان بازیکن مهمی برای ماست. کسی تردیدی ندارد که او می‌تواند بار دیگر گول‌زنی کند».

درگیری خونین بین هواداران بارسا و پی‌اس‌جی

یک تراژدی دیگر در فوتبال اسپانیا و این بار توسط هواداران بارسا. چهارشنبه شب و در پایان دیدار بارسلونا- پاریس سنت جرمن، دو هوادار پی‌اس‌جی در اطراف ورزشگاه نوکمپ به ضرب چاقوی چند هوادار بارسا به‌شدت مجروح شدند. پاریس سنت جرمن چهارشنبه شب در ورزشگاه نوکمپ با نتیجه‌ی ۳-۱ مغلوب بارسلونا شد و توانست صدرنشینی خود در گروه F لیگ قهرمانان را حفظ کند. در پایان این بازی و در بیرون ورزشگاه نوکمپ، بین هواداران بارسا و هواداران پی‌اس‌جی، درگیری خونینی در گرفت که حاصل آن چند مجروح بود.

داوید لوییز: ترسی از تقابل با ریال نداریم

داوید لوییز، مدافع پاریسن جرمن عنوان کرد که تیمش ترسی از تقابل با ریال مادرید یا هر تیم دیگری در مرحله‌ی حذفی لیگ قهرمانان ندارد. پنج‌شنبه شب پاریسی‌ها ۳-۱ مقابل بارسا شکست خوردند و در رده‌ی دوم جدول گروه‌ی قرار گرفتند. حال آن‌ها باید به مصاف یکی از تیم‌های صدرنشین بروند. ریال مادرید، چلسی، اتلتیکو مادرید، دورتموند و... تیم‌های صدرنشینی هستند که احتمال تقابل آن‌ها با پی‌اس‌جی وجود دارد. لوییز در این رابطه گفت: «می‌توانیم جلو ریال مادرید یا هر تیم دیگری بازی کنیم. همه‌ی مسابقات به میدان می‌رویم».

برنات: گواردیولا مثل آهن‌باست

به بازیکنی غیرقابل چشم‌پوشی برای کادر فنی بایرن تبدیل شود. این درحالی است که بایر لورکوزن هم برای جذب این بازیکن چپ‌پا اقدام کرده بود. برنات افزود: «پیش‌نهاد لورکوزن زودتر از بایرن مطرح شد. آن‌ها می‌خواستند در زمستان با من قرارداد ببندند. بعد از بایرن با من تماس گرفتند. این پیش‌نهاد در زمان درست ارائه شد و این باشگاه بهترین انتخاب ممکن بود. در مورد رفتن به بایرن اصلا نیازی به فکر کردن نبود. یکی از دلایلم هم پپ گواردیولا بود. این مربی واقعا وسوسه‌کننده است. برای ما بازیکنان او مثل آهن‌ریاست».

داوید لوییز: مسی بهترین بازیکن تاریخ است

داوید لوییز، مدافع پاری سن جرمن به تمجید از لیونل مسی پرداخت و گفت که او بهترین بازیکن تاریخ است. چهارشنبه شب دو تیم بارسلونا و پاریس سنت جرمن در ورزشگاه نوکمپ بارسلونا به مصاف یک‌دیگر رفتند که در نهایت، کاتالان‌ها موفق شدند با نتیجه‌ی ۳-۱، حریف خود را شکست داده و به عنوان تیم اول به دور بعد رقابت‌ها صعود کنند. مسی درست ۴ دقیقه پس از گول زلاتان روی پاس سوارز بازی را به تساوی کشاند و پس از آن بود که نیمار و سوارز نیز موفق به گول‌زنی شدند.

آگوئرو و پارِدو، بهترین‌های ماه نوامبر لیگ برتر

سرخپو آگوئرو، مهاجم منچسترسیتی به عنوان بهترین بازیکن و آلن پارِدو، سرمربی نیوکاسل به عنوان بهترین مربی ماه نوامبر لیگ برتر انتخاب شدند. آگوئرو موفق شد مقابل منچستریونایتد، گول پیروزی را به ثمر برساند و هم‌چنین مقابل کوین پارک رنجرز، دو گول به ثمر برساند تا بازی به تساوی کشیده شود. مهاجم ۲۶ ساله، تا به حال در ۱۴ بازی برای سیتی در لیگ برتر، ۱۴ گول به ثمر رسانده و در صدر جدول گول‌زنان لیگ قرار دارد. با این حال، او حدود ۶ هفته به دلیل مصدومیت از ناحیه‌ی لگامنت زانویش، از میادین دور خواهد بود. دیگر کاندیداهای دریافت این عنوان، دنی اینگس،

دخیا، هری کین، داریل یانمات و چارلی استین بودند. آگوئرو چهارمین مهاجمی است که در این فصل موفق به کسب این عنوان شده است. پیش از او دیگو کاستا، گرازبانو پله و دیافرا ساخو این عنوان را به‌دست آورده بودند. هم‌چنین آلن پارِدو، سرمربی نیوکاسل پس از کسب ۳ پیروزی از چهار دیدار خود، به عنوان بهترین مربی ماه نوامبر انتخاب شد. شاگردان پارِدو موفق شدند ۱-۰ لیورپول را شکست دهند و پس از آن ۲-۰ وست برومویچ آلبیون را شکست دادند و در خانه، ۱-۰ مقابل کوین پارک رنجرز به برتری رسیدند. تنها لغزش شاگردان پارِدو در ماه نوامبر، شکست ۱-۰ مقابل وستهم در آپتان پارک بود.

شورای امنیت سازمان ملل: اقدام‌های تروریستی در افغانستان، باعث عقب‌گرد صلح نمی‌شوند



کننده‌ی انتحاری ۱۶ ساله بوده است. مرکز فرهنگی فرانسه در کابل مجتمعی شامل کتاب‌خانه، صنف‌های آموزش زبان و تالار نمایش تیاتر-سینما است. این مرکز از مهم‌ترین مراکزهای تجمع فرهنگی در کشور به شمار می‌رود. اکثر برنامه‌های مهم فرهنگی و هنری کشور از چند سال بدین سو در همین مرکز برگزار شده‌اند. از جشنواره‌های بزرگ موسیقی گرفته تا جشنواره‌های بزرگ فیلم سینمایی و کمیدی-تراژیدی تیاتر. این مرکز فرهنگی در محوطه‌ی لیسه‌ی استقلال در مرکز شهر کابل و در همسایگی کاخ ریاست جمهوری، در کنار وزارت خارجه، هتل سربینا و شماری از نهادهای مهم دولتی قرار دارد. در این محل نیروهای امنیتی تدابیر ویژه‌ای دارند. با چنین تدابیر ویژه، این‌که انتحار کننده چگونه خودش را به داخل تالار مرکز فرهنگی فرانسه رسانده، هنوز مشخص نشده است.

است. لورن فایبوس، وزیر خارجه‌ی فرانسه می‌گوید که عاملان این رویداد باید شناسایی و به دادگاه کشانده شوند. در ۱۳ سال گذشته طالبان حملات انتحاری و انفجاری را در اداره‌های دولتی و خصوصی انجام داده‌اند، اما حمله‌ی آنان بر مرکز فرهنگی و تماشای تیاتر کم‌سابقه بوده است. وزارت خارجه اعلام کرد که در حمله‌ی روز پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته، در داخل تالار مرکز فرهنگی فرانسه هنگام اجرای نمایش تیاتر، یک شهروند خارجی کشته و حدود ۱۰ تن دیگر زخمی شدند. این حمله هنگامی انجام شد که نمایشی به منظور تقبیح کردن حملات انتحاری و انفجاری از سوی بازیگران تیاتر در حال اجرا بود. طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفته است. در همین حال، عبدالرحمان رحیمی، فرمانده جدید پولیس کابل گفته است که حمله

اطلاعات روز: شورای امنیت سازمان ملل پس از انجام دو حمله‌ی طالبان به روز پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته در کابل، اعلام کرد که اقدامات تروریستی در افغانستان باعث عقب‌گرد صلح در این کشور نمی‌شود. اما این سازمان از تهدید متداوم گروه طالبان در کشور ابراز نگرانی جدی کرده است. بعدازظهر پنج‌شنبه حمله با بمب در لیسه‌ی استقلال موجب کشته شدن یک شهروند خارجی شد. این حادثه پس از آن انجام شد که چند ساعت قبل از آن در حومه‌ی کابل، بر اثر یک حمله‌ی انتحاری بر بس منسوبان اردوی، شش سرباز کشته شدند. شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا با نشر اعلامیه‌ی حمله بر مرکز فرهنگی فرانسه در کابل را تقبیح کرده است. وزارت خارجه‌ی فرانسه نیز انجام حمله بر مرکز فرهنگی این کشور در کابل را محکوم کرده و آن را وحشیانه خوانده

تمدید اقامت ۴۵۰ هزار شهروند افغان در ایران برای شش ماه



شده که ۵۰۰ بورسیه‌ی تحصیلی از سوی دولت ایران به دانشجویان افغان اجرایی شود. قرار است در این ارتباط هیأتی از طرف ایران به کابل سفر کند تا با همکاری وزارت تحصیلات عالی، داوطلبان واجد شرایط دریافت بورسیه‌های تحصیلی را انتخاب کند. خبرگزاری ایرنا گزارش داده است، بین هیأت افغانی و مقام‌های ایران توافق شد که سازمان سنجش وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری ایران در بخش‌های آزمون سراسری کانکور دانشگاه‌های افغانستان، با وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی کشور همکاری کند. بر اساس خبرنامه، همکاری‌های وزارت آموزش و پرورش ایران و وزارت معارف افغانستان، در بخش‌های ایجاد مدارس ایران-افغان در کابل، تهیه و تدوین کتاب‌های درسی، تدوین معیارهای آموزشی برای وزارت معارف افغانستان، انتقال تجارب آموزشی و تأمین سایر

نیازهای وزارت معارف افغانستان افزایش می‌یابد. در این خبرنامه آمده است که وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ایران اعلام آمادگی نمود تا در اولین فرصت هیأتی را برای فعال‌سازی مجدد مرکز توان‌بخشی معلولان که قبلاً توسط ایران در کابل ساخته شده، اعزام کند. هیأت افغانی و مقام‌های ایران توافق کرده که تعدادی از بورس‌های تحصیلی دکتری مطالعات اعتیاد برای پزشکان افغان اختصاص یابد. محمد محقق، معاون رییس اجرایی همراه هیأت عالی‌رتبه‌ی دولتی چندی پیش برای دیدار رسمی با مقام‌های ایران، وارد تهران شد. محقق و هیأت همراه وی در این سفر با حسن روحانی، رییس جمهور ایران، علی لاریجانی، رییس مجلس، محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه و شماری از مقام‌های دیگر این کشور روی گسترش همکاری‌ها و روابط دو کشور گفت‌وگو کرده‌اند.

اطلاعات روز: وزارت خارجه‌ی ایران اعلام کرد که در جریان مذاکرات محمد محقق، معاون رییس اجرایی افغانستان و مقام‌های ایران، اقامت ۴۵۰ هزار شهروند افغان مقیم ایران برای ۶ ماه تمدید شده است. در خبرنامه‌ی این وزارت آمده است که افغانستان نیز تعهد کرده که «برنامه‌های خود را برای بازگشت این گروه از اتباع افغانستان در مدت ۲ ماه در کمیته‌ی مشترکی ارائه کند». بر اساس این خبرنامه، تمدید اقامت این تعداد از شهروندان افغان، با توجه به دوستی و روابط دیرینه‌ی دو کشور صورت گرفته است. در بخش دیگر این خبرنامه آمده، در مذاکرات انجام شده بین هیأت افغانی و وزیران ذی‌ربط ایران (وزیران کشور، علوم، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش و وزارت بهداشت) چند توافق مهم دیگر نیز شده است. در سفر محمد محقق به ایران توافق

۲۰ افغانی پرداخت کنید ۵ دقیقه تماس های بین المللی بدست آورید

فیس اشتراک	فایده ها	تجدید خود کار	مدت اعتبار	کود اشتراک	کود غیر فعال سازی	کود مشاهده بیلانس
۲۰ افغانی	۵ دقیقه (تماس های بین المللی)	بله	۱ روز	*۸۸۸۸*۷*۰۱#	*۸۸۸۸*۷*۰۲#	*۸۸۸۸*۷*۰۴#

برای معلومات بیشتر به ۱۵۲ در تماس شوید یا پیام ارسال کنید و یا به ۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰ تماس بگیرید.

مدت اعتبار الی ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۴ میباید

www.afghan-wireless.com



مالیزیا



چین



هندوستان



کانادا



آمریکا